

اکثریت

دوشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۹ برابر ۳۴۱
۱۸ مارس ۱۹۹۱ سال هفتم شماره

آخرین شماره

نشریه‌ای که در دست دارید آخرین شماره اکثریت است. از این پس با نام "اکثریت" نشریه‌ای انتشار نمی‌یابد. بنا بر تصمیم ارگان‌های سازمانی، بجای نشریات کارو اکثریت، نشریه دیگری با نام کار در قطع اکثریت منتشر خواهد شد.

از انتشار نخستین شماره اکثریت، اول فروردین ۱۳۶۳ در دست ۷ سال می‌گذرد. بزبان آسوده ۳۴۱ شماره، می‌شود هفت سال، ۳۴۱ شماره، اگر هفته‌ی هجری است. اگر کودکی بود، اکنون به مدرسه می‌رفت و برآستی برای دست اندرکاران آن فرزندی بود. فرزندی که همپای رشد و پرومندی خود، متقابلاً آفرینندگانش را به تلمذ و شاگردی واداشت. به ما آموزش داد که اگر می‌خواهیم در انجام وظیفه خطیر مطبوعاتی و آگاهگرانه خود موفق باشیم باید به خواننده نشریه احترام بگذاریم، به خرد، عواطف و حوصله او... نیز اعتمادش را حرمت بداریم. بما آموخت که خواننده را فردی بدانیم که نه مصرف کننده تحلیل‌های ما و تبلیغ شونده اهداف سیاسی ما که انسانی است طالب اطلاعات و خواستار دانستن، دانستن اخبار و نیز ارزیابی و تحلیل ما از سیر رویدادها و آموختیم که اگر نمی‌دانیم، صادقانه خلاف سنت مطبوعاتی رایج در ایران بجای ارائه پاسخ‌های متفره‌نانه، سئوالاتمان را طرح کنیم. در همان حد که محدودیت‌های ذهنی خود ما در هر زمان اجازه می‌داد، آموختیم که باید حصارها را فروریخت و از چارچوب فرهنگ نشریات حزبی مرسوم در ایران، فاصله گرفت.

آموخته‌ها را همیشه یارای کار بست نداشتیم بویژه در

چرخ بوش با جمهوری اسلامی

خصومتی نداریم

چرخ بوش رئیس جمهور آمریکا طی روزهای گذشته در دو سخنرانی پرده از روی بخشی از اقدامات هادیسازی برداشت. وی روز جمعه ۱۷ اسفندماه (۸ مارس) طی مصاحبه با روزنامه نگاران هرب تمایل دولت آمریکا برای داشتن روابط بهتر با جمهوری اسلامی را مورد تاکید قرار داد و گفت: «ما خصومتی نداریم، گاه هنگامی که اختلاف نظرها عمیق است زمان بیشتری می‌گیرد. از این رو ما برای روابط دو جانبه به ایران فشار نمی‌آوریم ولی ایران کشور بزرگی است و به اعتقاد من نباید برای همیشه به عنوان دشمن دیگر

کشورهای منطقه قلمداد شود. به گفته مقامات آمریکایی، بیش از این سخنان و زمان کوتاهی پس از پایان یافتن جنگ خلیج فارس دولت آمریکا به دولت رفسنجانی اطلاع داده بود که علاقتند است در مورد آزادی گروهانهای آمریکایی در لبنان و مسائل دیگر با جمهوری اسلامی به مذاکره مستقیم بپردازد. مقامات آمریکایی گفته‌اند که ایران هنوز به این پیشنهاد جواب نداده است، اما به گزارش شبکه تلویزیونی بی.بی.سی آمریکا دولت رفسنجانی اخیراً یادداشتی برای ایالات متحده آمریکا بقیه در صفحه ۳

بهار نخستین بار

"بهار رستاخیزی است. زمین می‌گوید چه مرز بود آن چشمی که با حقارت می‌نگریست. هان بنگرید که چه در دل پروراند. لگد کوب می‌شدم. منکوب باد خزان بودم. گل ولای بر سرم بود و برف و بوران سائر پیکرم. مرده‌ام می‌پنداشتند در آن زمان که زندگی را در احمق وجودم می‌پروردم. اکنون

شکفته‌ام، سبز سبز، سرخ سرخ. این است رمز هستی، این است جلوه دیگر از حرکت جاودان. شکفتن و زایش، شورو شادمانی می‌آفریند. نوروز آغاز حرکت شاداب زندگی است. بهار می‌آید تا شیدایی و شوق باززایی را در انسان نیز بارور سازد. نوروز را شادمانه گرامی می‌داریم که مظهر و آغاز زای مجدذ زندگی است که نوید بخش روزگاری نوین



پیام شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت فرارسیدن سال نو

سال نو مبارک باد!

در صفحه ۲

از گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

جمهوری اسلامی

در راس نقض کنندگان آزادی مذهب

در صفحه ۵

ادامه تلاشهای تهران

پیرامون آینده امنیتی منطقه

حکومت تهران هفته گذشته تلاش خود در مورد آینده امنیتی منطقه را دنبال کرد. برجسته‌ترین حرکت در این زمینه سفر حسن حبیبی معاون اول رفسنجانی به ترکیه بود. وی در آنکارا با تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه ملاقات کرد. حبیبی در پایان سفر ۳ روزه خود به ترکیه در یک مصاحبه مطبوعاتی واکنش رسمی جمهوری اسلامی نسبت به توافق دمشق را اعلام کرد و تاکید کرد هم جمهوری اسلامی و هم ترکیه اعتقاد دارند، در این طرح نکات اجماع آمیزی وجود دارد که باید از سوی سران کشورهای هربی توضیح داده شود. حبیبی خاطر نشان ساخت، در این طرح خروج نیروهای بیگانه از منطقه پیش‌بینی شده است که یک نکته مثبت است. حبیبی پیش از این در یک مصاحبه مطبوعاتی در ترکیه گفته بود امنیت کامل در منطقه خلیج فارس

در صورتی برقرار خواهد شد که امنیت هر دو سوی آن مورد توجه قرار گیرد. نظر جمهوری اسلامی نسبت به توافق دمشق پس از سفر نمایندگان آن به سوریه بسیار ملایم شده و احتمال می‌رود این موضوع ناشی از توافقات اعلام نشده در مورد به عهده گرفتن نقشی از سوی جمهوری اسلامی در پیمان مذکور باشد. وزرای خارجه کشورهای امضاکننده پیمان دمشق نیز در قبال موضعگیری منعطف جمهوری اسلامی طی بیانیه مشترکی پس از دیدار خود با جیمز بیکر اعلام کردند علاقتند به توسعه مناسبات دوستانه با جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

گفته می‌شود در این سفر حبیبی به ترکیه، مذاکراتی نیز در مورد احتمال احیای پیمان سه جانبه سنتوین ایران ترکیه و پاکستان صورت گرفته است. قبل بقیه در صفحه ۴

است. نوروز را که انیاکان ما، هزاران ساله، روز یگانگی‌ها، معرورزی‌ها، شادمانی‌ها و دوستی‌ها قرارش داده‌اند. نوروز برای ما تنها یک سنت باستانی نیست. دارنده این پیام ارزنده اجتماعی است که باید ستیز با کهنه و کهنگی را بی‌باکانه ارج گذاشت و مشتاقانه با تازه‌نو در آمیخت. نوروز ندا سر می‌دهد باید سنت‌های ارزشمند میهن خویش را بیش از پیش پاس داشت و با ترانه شورانگیز بهار، دل به ایجاد فردای بهتر سپرد. فرارسیدن سال نو را با دروهای

بسیار به هم میهنان خود شادباش می‌گوئیم. امیدواریم سال نو، سال هماهنگی شورانگیز دل‌های آرزومند، سال تخفیف دردهای بیشمار مردم، سال رزم‌های حاصلخیز، سال گسترش هر چه بیشتر اتحاد مبارزان راه صلح و آزادی و عدالت باشد. زندگی در صلح و آزادی زیباست. در مقدم بهار و فرارسیدن نوروز با امیدهای تازه و با یاد یاران از دست رفته بکشیم تابش پیش، دل و اندیشه خود را با زیبایی‌های زندگی، آذین بندیم و بار دیگر باور داریم: روشنائی باروز تیرگی با شب، و بهار با ما سخن می‌گوید.

بهار شاد شور افکن...

بهار شاد شور افکن ز قله‌ها به زیر آمد:
هنوز عشق جان دارد - مگو، مگو که دیر آمد!
بهار شاد شور افکن، به بزم دوستان، چون من
میان جامه‌ئی روشن ز پولک و حریر آمد.
دو زلف عطر بیزش گل، نگین سینه ریزش گل،
سریر خفت و خیزش گل... بین چه دلپذیر آمد!
هوا حریر آبی شد، کرانه آفتابی شد -
مگو حکایت از باران، که دل ز گریه سیر آمد.
ز کوه پرس و دامانش چه رفت با زمستانش
که از ستیغ پستانش هزار جوی شیر آمد.
ز کار عشق، پیوسته، رمیده بودم و خسته
که ناگه و ندانسته، رخ تو در ضمیر آمد.
بدین قدر مجال اینجا، چه حيله رفت و حال اینجا
که پویه گر غزال اینجا، به پای خود اسیر آمد؟
توئی تمشک پر خارم که میوه داد و آزارم؛
چه شکر و شکوه بگرامم؟ کزین دو، ناگیر آمد.
ز عشق می‌کنم پروا، که بی‌توان و بی‌یارا
ز پا افتاده است اما بهار دستگیر آمد.

هنوز عشق جان دارد؛ بهار اگر توان دارد،
به معجزش جوان دارد، به سال اگر چه پیر آمد.

سیمین بهیمانی

پس از اخطار کشورهای غربی،

اعلام عدم دخالت

دولت رفسنجانی در امور داخلی عراق

جمهوری اسلامی ایران با دلیل اخطارهای جدی کشورهای غربی و تمایل خود به ادامه و بهبود مناسباتش با کشورهای فوق‌الذکر، از سیاست حمایت فعال از اپوزیسیون شیعه طرفدار خود در عراق چشم‌پوشی کرده است. مقامات غربی طی هفته گذشته چند بار جمهوری اسلامی را از دخالت در امور داخلی عراق بر حذر داشتند. جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در اتاوا - پایتخت کانادا - در روز جمعه گذشته گفت: نشانه‌ای دال بر مقاصد دولت ایران در زمینه دست‌اندازی به بخش‌هایی از خاک عراق دیده نشده ولی بهر حال ایران نباید و نمی‌باید در صدد

انضمام سرزمین‌های عراقی به خاک خود باشد. وزرای خارجه انگلیس و فرانسه نیز در گفتگوهای تلفنی خود با علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه حکومت اسلامی، این رژیم را از دخالت در امور داخلی عراق بر حذر داشته‌اند. هفته گذشته هاشمی رفسنجانی و ولایتی در دیدارها و گفتگوهای متعدد خود با مقامات مختلف کشورهای خارجی بارها عدم دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی عراق را مورد تاکید قرار دادند و از حق مردم عراق برای انتخاب نظام مورد دلخواه خود سخن گفتند. در سیاست‌های رسمی جمهوری اسلامی نشانه‌ای بقیه در صفحه ۳

از آغاز تا انجام

آخرین شماره

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت فرارسیدن سال نو سال نو مبارک باد!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرارسیدن چهارمین سال نو را صمیمانه به همه مردم ایران شادباش می‌گوید و آرزوی گدسال نو، سال موفقیت، تلاش، شادی و پیروزی مردم باشد.

نیاکان ما، نورو، بزرگترین هید باستانی مردم ایران را که آغاز چرخش زمین بسوی بهار و طبیعتی تازه است، هزاران سال است که جشن گرفته و گرمای داشته‌اند، نورو، همواره روز بروز محبتها، روز شکفتن صمیمیت ما، روز آشتی و صلح، روز لبخندهای امیدو مهربانی میان مردم و روز خانه‌تکانی و فراموشی کدورت‌ها و عداوت‌ها، روز عهد بستن برای تلاشهای فزونی و موفقیت‌های بیشتر بوده است. این سنن نیکو را پاس داریم و تداوم بخشیم.

جشن بزرگ ملی ما طی سالهای نزدیک گذشته با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های کینه‌توزانه حاکمان روبرو بوده است. فقهایی به قدرت رسیده‌اند همان نخستین سالهای حکومت خود به مخالفت با برگزاری جشن نورو پرداختند و آنرا به بهانه "جشن شاهان" و در واقع به دلیل ریشه غیر اسلامی و تبیین آن با اندیشه "امت واحده اسلامی" مردود اعلام کردند، اما مردم ایران با بزرگداشت نورو نشان دادند که نورو روز جشن توده‌هاست، برگزاری گسترده نورو، هلیرفرم مخالفتی پنهان و آشکار حکومت به این جشن خصلتی سیاسی بخشید و آنرا به تجلی اعتراض مردم علیه رژیم حاکم بدل ساخت تا جایی که رژیم در سالهای اخیر عقب نشست و خود نیز ظاهراً با مردم در برگزاری آئین نورو می‌همدستان گشت، اما ریا و فریبکاری این رژیم آشکار تر از آن بود که این حاکمان را بر سفره هفت سین مردم جایی باشد.

با فرارسیدن نورو امسال، پرونده یک دهه دیگر از تاریخ کشور ما بسته می‌شود. دهه‌ای پر حادثه، درناک و جانگداز. دهه‌ای که جنگی ویرانگر و خانمانسوز، قلع و قمع آزادی، سرکوب آزادیخواهان، کشتار هزاران زندانی سیاسی در فاجعه‌ای ملی، همچون لکه‌هایی سیاه بر پیشانی آن نشسته است. دهه‌ای که کشور مادر همه مرصه‌ها و به‌ویژه ویرانی رفت و از قافله تمدن و پیشرفت باز هم بیشتر عقب ماند. دهه‌ای که هر سال و هر روز آن، زندگی بر مردم سخت‌تر شود و فقر و بیکاری و گرسنگی، در ببری و آوارگی، تبعیض بی‌عدالتی همه گستر گریزد. دهه‌ای که فساد و انواع بیماری‌های اجتماعی گسترش یافت، امنیت و آسایش از کشور سلب گردید، تجاوز به حقوق و زندگی مردم ابعادی عظیم یافت و قهر و خشونت تار و پود جامعه را لرزه در آورد.

سال که اینک واپسین روزهای آن را سپری می‌کنیم، ادامه این سالهای تلخ و درناک بود. آزادی همچنان در مسلخ رژیم حاکم قربانی شد. مبارزین را به بند کشیدند، در برابر جوشه‌های اعدام قرار دادند و مجبور به آوارگی ساختند، زندگی را بر مردم تنگ‌تر نمودند، بر گرانی و کمبود بیکاری و بی‌خانمانی و گرسنگی افزودند و جامعه را هم چنان در چنگال نیروهای اهریمنی نگاه داشتند.

در تمام این سالهای تباہی و سیاهی زندگی نیز جریان یافت، مردم هر آنگونه و همانقدر که توانستند علیه تباہی‌ها و سیاهی‌ها رزمیدند. آن پشتیبانی‌های بی دریغ و آن امیدها و آرزوهای ابراز شده به این رژیم در نخستین سالها، جای خود را به نفرت و خشمی بزرگ و همیق داد. شعله‌های مبارزه علیه استبداد بی‌عدالتی برافروخته شد، اعتراضات کارگری، تظاهرات خیابانی، اعتراضات گروه‌های مختلف مردم، مبارزه عظیم فرهنگی علیه جعل و خرافات نشانه‌هایی از آتش مبارزه‌ای است که علیه استبداد افروخته شد، آتشی که گاه زبانه کشید و گاه از لمبب آن کاسته شد، اما هرگز خاموشی نگرفت و خاموشی نخواهد گرفت. بیدار استبداد حاکم، نتوانست آب سردی بر آتش مبارزه برای آزادی و عدالت باشد.

سال نو دهه‌نو را با امید به شعله گرفتن بیشتر این آتش جاودانه و مقدس، با امید به نیرومندی بیشتر نیروی صلح، دوستی، آزادی و عدالت در برابر اهریمن جنگ، خشونت، استبداد و بی‌عدالتی آغاز کنیم. بر سفره‌های هفت سین و دیدارهای نورو، خاطره همه جانباختگان راه وطن را هرگز بداریم و با آرزوهای آنان، آزادی و عدالت، پیمانی دوباره ببندیم. به پیروی از سنن نیکوی نورو، کینه‌ها و عداوت‌های بین خود را به کنار بگذاریم و دستهای دوستی و محبت را بسوی یکدیگر دراز کنیم. گرد و فبارهای گذشته را برویم و به فله‌بهر رخوت‌ها و سستی‌ها و کار و تلاش بیشتر بپردازیم. امیدوارا نو در خود و دیگران بارور سازیم و باور کنیم که می‌توانیم نوروهای دیگر را در کشوری آزاد و آباد جشن بگیریم. در کشوری که سایه سنگین استبداد، قتل و کشتار انسانی از آدیخواه بی‌عدالتی و تحقیر مردم شادی هیدار خدشه دار نماند. بهاری خجسته و سالهایی بهتر از این سال‌ها را برای همه می‌مانمان آرزوی می‌کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۷ اسفندماه ۱۳۶۹

توضیح برای مشترکین نشریات کار و اکثریت

از این پس بجای نشریات کار و اکثریت نشریه جدیدی با نام کار منتشر می‌شود. برای مشترکینی که هر کدام از این نشریات و یا هر دو آنها را آهسته هستند، متناسب با باقیمانده حق اشتراک پرداختی آنان، نشریه کار جدید از سال خواهد شد. از مشترکینی که تمایل به آهسته شدن نشریه جدید بر مبنای ذکر شده ندارند، تقاضا داریم با سال نامه به آدرس نشریه‌ها را مطلع کنند تا ترتیب بر گشت دادن پول پرداختی آنان داده شود.

می‌شد. هم از اینرو که اشتقاق ایجاد شده کم دامنه‌تر و کم دوام‌تر شود. اشتقاق اکنون از بین رفته است اما جراحت آن صدر صدالتیام نیابت.

اینک پس از انتشار شماره ۳۴۱ شماره اکثریت، کارکنان آن بواقع خرسندند که در راه پیشبرد وظایفی که نشریه در شماره نخست، فراروی خود قرار داده بود، در حد توان کوشیده‌اند. این اهداف عبارت بودند از:

"تصویر سیمای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن برای ایرانیان خارج از کشور، گزارش رنج و رزم مردم جهت درک میهنمان می‌گذرد. افشای تبعکاری‌های جمهوری اسلامی به منظور گسترش و سازمانگری مبارزه علیه این رژیم و اشاعه آلمان و اخلاقیات پیشرو و عصر". برای پایان انتشار اکثریت، دریغ و تاسف را جایی نیست. توش و توان در اختیار نشریه جدید قرار خواهد گرفت و همان اهداف، پی گرفته خواهد شد.

سیامک بهزادی

بته از صمخه ۷ جهان سوم و جهانی شدن سیستم اطلاعات و ارتباطات

مستقل دوجانبه و خودسرانه است و از سوی دیگر حاکی از آغاز نوبی از استراتژی سیاسی است که تمرکز سیاست‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در نهادهایی غیر مربوط به سازمان ملل را دنبال می‌کند. خروج آمریکا همچنین کاهش توان مالی یونسکو و بالطبع محدودیت و کاهش کوشمانها و برنامه‌های مثبت این سازمان در زمینه گسترش و شناساندن جنبه‌های مثبت فرهنگ جهان سوم را در پی داشته است.

راست این است که پیامدهای تضعیف یونسکو تنها برای فرهنگ و میراث معنوی کشورهای جهان سوم، بلکه برای کشورهای صنعتی شرق و غرب نیز زیان‌آور است. شکی نیست که غرب در درازمدت به نادرستی شیوه‌هایی همچون ترک یک نهاد بین‌المللی و گریز از تماس و برخورد با علائق و گرایشات گوناگون ملل مختلف در قالب یک سازمان پی خواهد برد و آن را از اشتباهات سنگین و جبران‌ناپذیر خود تلقی خواهد کرد.

نوشته یورگ بکر، پروفیسور و استاد مدرسه عالی فنی دارمشتات آلمان غربی و سرپرست انجمن پژوهش‌های تکنولوژیکی ارتباطاتی فرانکفورت. بر گرفته از نشریه World Media ترجمه: ج. بهداد پی‌نوشت:

GATT (General Agreement on Tariffs and Trade) (یونسکو) در پایان سال ۱۹۸۴ که در اعتراض به جنگگیری این سازمان به تفع جهان سوم انجام گرفت، بر کوشمان هاوروند کار نهادی یاد شده تأثیری منفی برجای گذاشت. این اقدام از یکسو نشانگر تغییر سیاست خارجی آمریکا از روابط چند جانبه فرهنگی و ارتباطی در قالب سازمان‌های بین‌المللی به روابط

نه آغاز و نه پایان کار نشریه "اکثریت"، با آغاز یا پایان مرحله معینی در حیات سیاسی یک جنبش اجتماعی، مصادف نبود. همانگونه که دلایل مشخص فنی - سازمانی باعث آغاز انتشار هفته‌نامه‌ای بنام "اکثریت" شد، اکنون دلایل مشخص فنی - سازمانی دیگری، توقف انتشار آن را ایجاب می‌کند. کارکنان نشریه در وداع با خوانندگانشان، نمی‌توانند جمله پردازی‌های معمول در چنین مواقعی متوسل شوند: "اکنون که شرایط خطیر مبارزه ایجاب می‌کند..."

آغاز مرحله جدید در مبارزات سیاسی... و غیره "اکثریت" به این علت به وجود آمد که ارگان مرکزی سازمان نمی‌توانست بطور ممتگی انتشار یابد در همین حال، رهبری وقت، تشخیص داده بود که نیاز به آهنگ ممتگی در ایجاد ارتباط با اعضا و مواداران سازمان و حتی المقدور طیف گسترده‌تری را دارد. اکنون "اکثریت" به این علت به کار خود پایان می‌دهد که قرار است ارگان مرکزی سازمان با دوره تناوبی کم‌تر از آنچه تاکنون بوده، انتشار یابد و در این شرایط انتشار دوشهریه موازی بی‌مورد است. دلایل، بسیار مادی و قابل لمس بود و هست.

اما اهداف اولیه یک پروژه مطبوعاتی یک چیز است و وظایفی که سیر بعدی روندها و رویدادها بر عهده آن می‌گذارد، چیز دیگر. "اکثریت" بدون آنکه خود بخواید، در طول حیات هفت ساله خود همده دار وظایفی شد که با درجات متفاوتی از موفقیت بدان پرداخت. این دوره هفت ساله، با جدایی ما از باورهای پیشین مصادف بود. این باورها، "جهان شمول" بود و بنا بر این نمی‌توانست کار مطبوعاتی را هم بی‌نصیب بگذارد.

مطبوعات حزبی در این باورها، نقش تعریف شده‌ای در سیستم تبلیغ - ترویج بر عهده داشت. همه چیز، از محتوای سخن و استخوان بندی مطالب گرفته تا قالب عرضه آن، تابع این نقش تعریف شده بود. وظایف اولیه "اکثریت" نیز همانگونه که از نامش پیداست، در همین چارچوب می‌گنجید. اما نشریه به علی از این وظایف اولیه "منحرف" شد. همین "انحراف" است که به کارکنانی که از هفت سال پیش تاکنون، نشریه را همراهی کرده‌اند، تا درجه معینی احساس رضایت می‌دهد.

قابل ذکر است که زمینه‌های شکسته شدن چارچوب پیش‌بینی شده برای "اکثریت"، قبل از "پرسترویکا" و تأثیرات آن بر ما، شکل گرفت. حتی می‌توان گفت شکست مشی حمایت از جمهوری اسلامی نیز عامل اصلی این "چارچوب شکنی" بود، زیرا همه کسانی را که در شکستن آن چارچوب معین سقیم بودند، در آن زمان هنوز نمی‌شدمنتقدین مشی گذشته به حساب آورد. دلایل کاملاً مصلحت‌گرایانه، انگیزه اصلی ما برای در پیش گرفتن شیوه جدید کار مطبوعاتی بود. هیچ کس این را نمی‌گفت، اما همه توافق داشتند

که مطبوعات حزبی با تعریف آن روز، یعنی مطبوعات ناموفق، نوعی شامه سیاسی و "ضمیر ناخودآگاه" ما را بر آن داشت که شیوه جدیدی را بیازماییم. وجه اشتراک همه ما، از قلم زن گرفته تا ماشین نویس و حروف چین تیرها و صفحه‌بند و چاپچی و برنامه نویس کامپیوتر و حامل توزیع، یک وجه اشتراک داشتیم: می‌خواستیم نشریه موقتی بیرون بدهیم، ما به درجات متفاوت، احساس کرده بودیم که یک تبلیغی - ترویجی، موفق نخواهد بود. شاید در آن زمان نمی‌توانستیم فرمولبندی امروز را ارائه دهیم، اما گمابیش می‌دانستیم که یک نشریه وقتی خوانده می‌شود که قبل از هر چیز اطلاعات بدهد، نحوه پرداخت اطلاعات هم باید طوری باشد که خواننده احساس کند به این اطلاعات می‌توان اعتماد کرد. اگر یک نشریه در وهله اول تبلیغی - ترویجی باشد، اطلاعاتی هم که ارائه می‌دهد، آنقدر با تبلیغ و ترویج مخلوط است که بی ارزش می‌شود. ما سعی کردیم خبر را از تفسیر جدا کنیم تا حداقل خواننده این فرصت را داشته باشد که خود اطلاعات را بدون چاشنی‌های ما، بگیرد. اینکه در این کار حداقل، تلاش ما مشغود بود و همه فهمیدند که داریم تلاش می‌کنیم.

این راه جدید، گاه به نشریه چهره نامانوسی داد. خوانندگان کلاسیک نشریات چپ، عادت کرده بودند که در نشریات، جواب بخوانند نه سؤال. انعکاس نظرات متفاوت، درج اخبار بدون تفسیر، و تلاش برای کمتر کردن شعارها، گاه باعث این شده که گفته شود: "اینجا خودشان هم نمی‌دانند که چه می‌خواهند بگویند".

بدیهی است که کیفیت نشریه "اکثریت" نسبت مستقیم با توان سازمان و سیر صعودی و نزولی آن داشته است. باید از خوانندگان پوزش طلبید که کیفیت کار ما در بسیاری از موارد، و در دوره‌هایی طولانی، در سطح مطلوب نبوده است. اما چه کنیم؟ تقدیر چنین خواسته است که ما این سوی دره باشیم و آنان که قدرت و ثروت دارند، در آن سوی ما به این انتخاب خود می‌بایم. انتخابی که باعث شده است به ظاهر توان رقابت با خیلی‌ها را نداشته باشیم. ما کماکان بر این باوریم که راهی که برای حل معضلات اجتماعی پیشنهاد می‌کنیم، انسانی تر، عادلانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از همه راه‌های دیگر است. تنها این باور است که انگیزه کار ماست. ما قائل به مزد نیستیم. همیشه مستقل بوده‌ایم و مستقل خواهیم ماند.

این وداع، وداعی برای همیشه نیست، خوانندگان "اکثریت"، ردیای کارکنان این نشریه را در "کار" خواهند دید. اما بالاخره هر چه باشد، وداع است. وداع با قالب و چارچوب و نامی معین که دیگر نخواهد بود. راست نچفته‌ایم اگر ادعا کنیم که در دل‌های ما هیچ نشانی از قم نیست...

مطبوعات حزبی در این باورها، نقش تعریف شده‌ای در سیستم تبلیغ - ترویج بر عهده داشت. همه چیز، از محتوای سخن و استخوان بندی مطالب گرفته تا قالب عرضه آن، تابع این نقش تعریف شده بود. وظایف اولیه "اکثریت" نیز همانگونه که از نامش پیداست، در همین چارچوب می‌گنجید. اما نشریه به علی از این وظایف اولیه "منحرف" شد. همین "انحراف" است که به کارکنانی که از هفت سال پیش تاکنون، نشریه را همراهی کرده‌اند، تا درجه معینی احساس رضایت می‌دهد.

قابل ذکر است که زمینه‌های شکسته شدن چارچوب پیش‌بینی شده برای "اکثریت"، قبل از "پرسترویکا" و تأثیرات آن بر ما، شکل گرفت. حتی می‌توان گفت شکست مشی حمایت از جمهوری اسلامی نیز عامل اصلی این "چارچوب شکنی" بود، زیرا همه کسانی را که در شکستن آن چارچوب معین سقیم بودند، در آن زمان هنوز نمی‌شدمنتقدین مشی گذشته به حساب آورد. دلایل کاملاً مصلحت‌گرایانه، انگیزه اصلی ما برای در پیش گرفتن شیوه جدید کار مطبوعاتی بود. هیچ کس این را نمی‌گفت، اما همه توافق داشتند

که مطبوعات حزبی با تعریف آن روز، یعنی مطبوعات ناموفق، نوعی شامه سیاسی و "ضمیر ناخودآگاه" ما را بر آن داشت که شیوه جدیدی را بیازماییم. وجه اشتراک همه ما، از قلم زن گرفته تا ماشین نویس و حروف چین تیرها و صفحه‌بند و چاپچی و برنامه نویس کامپیوتر و حامل توزیع، یک وجه اشتراک داشتیم: می‌خواستیم نشریه موقتی بیرون بدهیم، ما به درجات متفاوت، احساس کرده بودیم که یک تبلیغی - ترویجی، موفق نخواهد بود. شاید در آن زمان نمی‌توانستیم فرمولبندی امروز را ارائه دهیم، اما گمابیش می‌دانستیم که یک نشریه وقتی خوانده می‌شود که قبل از هر چیز اطلاعات بدهد، نحوه پرداخت اطلاعات هم باید طوری باشد که خواننده احساس کند به این اطلاعات می‌توان اعتماد کرد. اگر یک نشریه در وهله اول تبلیغی - ترویجی باشد، اطلاعاتی هم که ارائه می‌دهد، آنقدر با تبلیغ و ترویج مخلوط است که بی ارزش می‌شود. ما سعی کردیم خبر را از تفسیر جدا کنیم تا حداقل خواننده این فرصت را داشته باشد که خود اطلاعات را بدون چاشنی‌های ما، بگیرد. اینکه در این کار حداقل، تلاش ما مشغود بود و همه فهمیدند که داریم تلاش می‌کنیم.

این راه جدید، گاه به نشریه چهره نامانوسی داد. خوانندگان کلاسیک نشریات چپ، عادت کرده بودند که در نشریات، جواب بخوانند نه سؤال. انعکاس نظرات متفاوت، درج اخبار بدون تفسیر، و تلاش برای کمتر کردن شعارها، گاه باعث این شده که گفته شود: "اینجا خودشان هم نمی‌دانند که چه می‌خواهند بگویند".

بدیهی است که کیفیت نشریه "اکثریت" نسبت مستقیم با توان سازمان و سیر صعودی و نزولی آن داشته است. باید از خوانندگان پوزش طلبید که کیفیت کار ما در بسیاری از موارد، و در دوره‌هایی طولانی، در سطح مطلوب نبوده است. اما چه کنیم؟ تقدیر چنین خواسته است که ما این سوی دره باشیم و آنان که قدرت و ثروت دارند، در آن سوی ما به این انتخاب خود می‌بایم. انتخابی که باعث شده است به ظاهر توان رقابت با خیلی‌ها را نداشته باشیم. ما کماکان بر این باوریم که راهی که برای حل معضلات اجتماعی پیشنهاد می‌کنیم، انسانی تر، عادلانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از همه راه‌های دیگر است. تنها این باور است که انگیزه کار ماست. ما قائل به مزد نیستیم. همیشه مستقل بوده‌ایم و مستقل خواهیم ماند.

این وداع، وداعی برای همیشه نیست، خوانندگان "اکثریت"، ردیای کارکنان این نشریه را در "کار" خواهند دید. اما بالاخره هر چه باشد، وداع است. وداع با قالب و چارچوب و نامی معین که دیگر نخواهد بود. راست نچفته‌ایم اگر ادعا کنیم که در دل‌های ما هیچ نشانی از قم نیست...

م. سیاوش

بقیه از صفحه اول جرج بوش: با جمهوری اسلامی خصومتی نداریم

فرستاده و به آن دولت اطلاع داده است در صورتی حاضر به فعالیت برای آزادی گروگانهای آمریکایی و انگلیسی در لبنان است که شیخ عبدالکریم جنتی یکی از روحانیون شیعه از زندان اسرائیل آزادشود، این پیغام در جریان سفر اخیر وزیر خارجه آمریکا به دمشق به وی تسلیم شده است. جنتی پیش از آن نیز رفسنجانی آمادگی خود را به مذاکره مستقیم -ظاهرا جهت میانجیگری بین عراق و آمریکا- اعلام کرده بود.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست مشاوران رئیس جمهوری آمریکا پیش از پیش بر آمادگی واشنگتن برای گفتگو با مقامهای جمهوری اسلامی تاکید می کنند. یک مقام آمریکایی اخیرا گفته است رئیس جمهوری نیز به کرات تمایل خود را برای مذاکره با ایران در زمینه رهایی گروگانهای آمریکایی در لبنان و مسایل دیگر ابراز کرده است. به گفته این مقام، آمریکا در طول جنگ و پس از آن تمایل خود را به اطلاع جمهوری اسلامی رسانده است. روزنامه واشنگتن پست از قول مقامات آمریکایی و تحلیل گران آکادمیک می نویسد: نحوه عمل جمهوری اسلامی در طول جنگ خلیج فارس همراه با یک رشته پیروزیهای سیاسی رفسنجانی بر تندرویان مذهبی چشم انداز بهبود روابط آمریکا و ایران را روشن تر کرده است. مقامات آمریکایی معتقدند جناحهای رادیکال در ایران به طریق فزاینده ای به حاشیه رانده می شوند و همزمان با آن رفسنجانی و خامنه ای قدرت خود را تحکیم می بخشند. به گفته این مقامات هر چند اختلافات جناحی هنوز پایان نگرفته ولی ستاره اقبال رفسنجانی و خامنه ای با اتخاذ

سیاست ماهرانه بیطرفی در جنگ خلیج فارس و با دریافت امتیازات باد آورده ای که رژیم عراق در سال گذشته به آنها داد و به صعود است. جمهوری اسلامی با سادگی نگاه داشتن فعالیت های تروریستی بین المللی در دوران بحران خلیج فارس نظر موافق مقامات آمریکایی را جلب کرده و به وعده خویش در مورد نگاه داشتن ۱۳۷ فروند هواپیماهای عراقی در خاک خود در طول جنگ عمل کرده است.

امریکا همواره بزرگترین مانع بر سر راه روابط دو جانبه را وجود گروگانهای آمریکایی و غربی در لبنان دانسته است. اما از تریبون چین پیداست که این "بزرگترین مانع" در حال رفع شدن است. بنا به برخی گزارشها طی روزهای گذشته دمشق پایتخت سوریه محل مذاکرات مصلی در این زمینه بوده است. عبدالحکیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه در دیدار خود با حسن حبیبی معاون اول رفسنجانی در سفر اخیر وی به دمشق مذاکرات مصلی با او در مورد لزوم رهایی گروگانها انجام داده است. یکی از موضوعات گفتگوی جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا با مقامات سوریه نیز مذاکره در مورد گروگانها بوده است. وزیر خارجه انگلیس نیز در جریان این گفتگوها قرار داشته است. بدنبال این تحولات دادگاهی که در لندن به اتهامات مهرداد کوکبی دیپلمات آشوبگر جمهوری اسلامی رسیدگی می کرد بطور ناگهانی کار خود را متوقف کرد و دادگاه به علت عدم امکان حضور شهود ایرانی اثبات اتهامات وارده را ناممکن دانست و پرونده را مختومه اعلام کرد!!

مهرداد کوکبی را به پلیس انگلیس هودت دادند. وی روز ۵شنبه گذشته پس از ۱۵ ماه اسارت در انگلستان آزاد شد و به ایران بازگشت. همزمان با آزادی مهرداد کوکبی، زمه آزادی راجر کوپر انگلیسی که در زندان جمهوری اسلامی بسر می برد و هم چنین گروگانهای آمریکایی و غربی در تهران بالا گرفته است. روزنامه تهران تایمز که وابسته به جناح رفسنجانی است او را در هفته گذشته در سرمقاله خود نوشت اکنون که دولت بریتانیا پرونده مهرداد کوکبی را مختومه اعلام کرده امکان خوبی برای آزادی راجر کوپر و گروگانهای غربی در لبنان به وجود آمده است. مذاکرات پنهانی دولت های بوش و رفسنجانی از کانالهای متعددی جریان دارد. هدف این مذاکرات برداشتن موانع موجود و هموار کردن راه مذاکرات مستقیم و آغاز رسمی و علنی هادی سازی روابط است. به نظر می رسد رفسنجانی تصمیم خود در این زمینه را -علیرغم همه خطرات آن، بویژه از ناحیه جناح

تندرو-قطعی کرده و قصد دارد، آخرین و بزرگترین تابوی به یادگار مانده از دوران خمینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را هم رسماً به کناری بگذارد. رفسنجانی این سیاست را هنوز در اساس به طور مخفیانه و توطئه گرانه ای پیش می برد و از علنی کردن آن پرهیز می کند. اما در صورت گسترش بیشتر روابط این پنهان کاری نمی تواند دوام چندانی بیابد و آنگاه باید منتظر اوج گیری مجدد کشاکش های درونی جناح ها-که می تواند به قطعی ترین کشاکشها نیز بدل شود-بود.

از گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی در اس نقض کنندگان آزادی مذهب

وضعیت آزادی مذهب در سراسر جهان رابر همده دارد، در گزارش خود قید کرده است که کماکان سالانه هزاران نفر بخاطر عقاید مذهبی شان تحت پیگرد قرار می گیرند. رپرو در گزارش ۱۲۱ صفحه ای خود قبل از همه ایران، چین، آلبانی و پرونده را متهم به نقض این مرصه از حقوق بشر کرده است.

در گزارش پرفسور ریبرو در مورد ایران از جمله به حمله پاسداران به یک مدرسه فرهنگی ورزشی مسیحیان در تهران در آوریل سال گذشته اشاره شده است "پاسداران

گزارش سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در باره فشار بر اقلیت های مذهبی در ژنو منتشر شد. این گزارش که به بررسی امر آزادی مذهب در کشورهای مختلف جهان می پردازد، قبل از همه در راس دیگر کشورها به محکومیت جمهوری اسلامی پرداخته و بر نقض خشن آزادی مذهب بعنوان بخشی از حقوق انسانی در ایران تاکید کرده است.

پرفسور "تچلوویدال دالمیدا ریبرو" که از سوی دبیرکل سازمان ملل چندین سال است مسئولیت تهیه گزارش در مورد

انقلاب "چهارتن از مسئولین این مرکز را دستگیر کرده و بخاطر نقض قوانین ایران به ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم کرده اند. این مرکز فرهنگی، ورزشی به اتهام حضور بی حجاب دختران و همچنین همزمان بودن ورزش پسران و دختران بسته شده است. در گزارش مزبور قید شده است که در ایران مسیحیان و ارمنی ها در حال حاضر بیش از دیگران تحت فشار رسمی مذهبی قرار دارند. بهائیان نیز کماکان بخاطر اینکه اعتقادات مذهبی شان با شیعیان تفاوت دارد، در معرض خطر زندان و اعدام قرار دارند.

دستگیری گروهی از چریکهای فدائی در ترکیه

سازمان چریکهای فدایی خلق (بخش مشهور به کمیته خارج) با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که پلیس ترکیه اخیرا گروهی از مواداران این سازمان در ترکیه را دستگیر کرده است. کلیه این ۱۰ تن به ویژه مسئول تشکیلات مواداران این سازمان در آنکارا تحت شکنجه های شدیدی قرار گرفته اند در اعلامیه اقلیت قید شده است که در روز ۵شنبه هفتم مارس، دوتن از دستگیر شدگان به علت شکنجه های بیش از حد شکنجه گاه

"پایانچی شعبه سی" آنکارا به بیمارستان منتقل شده اند. اقلیت خبر داده است که به همراه افراد فوق، تعداد دیگری از مواداران این سازمان در ترکیه و ایرانیانی که با آنان در ارتباط بوده اند، نیز دستگیر شدند که برخی از آنان را با تعهد عدم خروج از آنکارا آزاد نموده اند.

خبر گزارش آناتولی ترکیه نیز خبر دستگیری گروهی از هم وطنان مادر ترکیه را تایید کرد. گفتنی است که این عده چند روز پیش از سفر حسن حبیبی معاون

اول رفسنجانی به آنکارا دستگیر شدند. خطر تحویل دستگیر شدگان به مقامات جمهوری اسلامی وجود دارد و چریکهای فدایی خلق از سازمان ملل متحد و سازمانهای حقوق بشر برای نجات جان مواداران خود کمک خواسته است.

ما ضمن محکوم کردن اقدام ضد دموکراتیک دولت ترکیه، خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان و رفع فشارهای دولت ترکیه به پناهندگان و مهاجرین ایرانی هستیم.

بقیه از صفحه اول پس از اخطار کشورهای غربی، اعلام عدم دخالت دولت رفسنجانی در امور داخلی عراق

از شعارهای انقلابی مبنی بر برقراری جمهوری اسلامی در عراق به چشم نمی خورد و سیاست دولت رفسنجانی در مورد این مسئله به گونه ای دنبال می شود که حساسیت و ناراحتی غرب را به دنبال نداشته است. رفسنجانی می کوشد به "شیوه ای متمدنانه" و از طریق شریک شدن در تصمیمات پشت پرده، و "قانونی" دولت ها به تاثیرگذاری بر آینده عراق بپردازد. هر چند به نظر میرسد که در کنار این سیاست رسمی، جمهوری اسلامی تقویت اپوزیسیون شیعه و تحریک در ناآرامی های عراق را به کلی کنار نگذاشته است، اما عدم امکان یک سیاست فعال، رسمی و علنی در این زمینه، امکانات جمهوری اسلامی را برای پیشبرد مقاصد مداخله جویانه در عراق بسیار محدود کرده است.

در حاشیه این سیاست رسمی، یک سیاست تبلیغی نیز در تهران

پیش برده می شود. هلی خامنه ای در سخنرانی خود به مناسبت آغاز ماه رمضان، راه نجات مردم عراق را در فداکاری بر اثر دستورات اسلام و حرکت به سمت حاکمیت دین مبین اسلام خواند و تیراندازی از سوی ارتش عراق بسوی مردم را "حرام" اعلام کرد. احمد خمینی نیز در سخنان مشابهی مدعی شد که مردم عراق در راه اسلام و خمینی می جنگند. پیش از آن نیز روحانی دبیر شورای عالی امنیت از ایجاد یک حکومت اسلامی در عراق جانبداری کرده بود. وی گفته بود قریبها تحمل یک حکومت اسلامی در عراق را ندارند و به عراق چراغ سبز نشان داده اند چون برای قرب صدام حسین بهتر از رژیم اسلامی است. اصول گراست، اما نه در خود رژیم و نه در کشورهای دیگر هیچ کس این گونه حرفها را جادی نمی گوید. سخنانی از این قبیل فقط برای "مصرف داخلی" و

بقیه از صفحه اول ادامه تلاشهای تهران پیرامون آینده امنیتی منطقه

عراق و سایر کشورها برای برقراری امنیت در منطقه بکوشد. در کنار همه این تلاشها باید گفت دولت رفسنجانی پایان دادن به انزوای حکومت خود در میان کشورهای عربی را هم چون همده ترین سمت سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی، تشدید تاثیرگذاری در تحولات و فراهم شدن امکان شرکت در پیمان ها و توافقات امنیتی منطقه انتخاب کرده است. در این زمینه رفسنجانی در حال از میان برداشتن "آخرین سنگرهای" مقاومت تندرویان و میراث های باقی مانده از خمینی است. بدنبال از سرگیری رسمی مناسبات با اردن، بهبود مناسبات با کشورهای عربی خلیج فارس و آغاز گام های اولیه برای برقراری روابط رسمی

از شروع جنگ در خلیج فارس حرکتی در این زمینه انجام شد و اجلاس از وزرای خارجه ۳ کشور در پاکستان تشکیل گردید و حتی از انعقاد پیمان نظامی یا دفاعی نیز آشکارا سخن به میان آمد.

اما تنها موضع رسمی که تاکنون جمهوری اسلامی در مورد امنیت منطقه اعلام کرده است اجرای بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ هفته گذشته رفسنجانی در ملاقات با جو کلارک وزیر خارجه کانادا اجرای این بند قطعنامه را بسیار "راهگشا" خواند و گفت ما همه کشورهای منطقه برای حفظ صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس جدی تر هستیم. این بند قطعنامه بدون اشاره به طرح مشخصی از دبیر کل سازمان ملل می خواهد با همکاری ایران

ترانه ای برای صلح

خندیدم به پایان آمد و مردتم
ستمگرا نه، یکی بادیگری، ای کبوتر...
چه شامگاهانی دارد با خود، این روزان آفتابی

مردم پر بردگان سرگشتگی اند!
گیتی را می است برای عشق ورزیدن
همانگونه که راهی برای مردن .
هنوز می باید زیست
گرچه در روزان تاریک
در وای اشک ها و خون ...

کاهش یک میلیون بشکه تولید نفت اپک

۱۲ کشور عضو اوپک روز دوشنبه ۱۲ اسفند (۱۱ مارس) در ژنو گرد آمدند تا سیاست نفتی این سازمان پس از پایان جنگ در خلیج فارس را به تصویب برسانند. از کشورهای عضو تنها عراق نماینده خود را به اجلاس نفرستاده بود. در پایان این اجلاس ۲ روزه اعضای شرکت کننده توافق کردند برای بالا بردن قیمت ها تولید خود را به میزان ۵ درصد کاهش دهند. تا پیش از این اجلاس، کشورهای عضو روزانه ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت تولید می کردند که با کاهش یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز، این رقم به ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه خواهد رسید.

به گفته آتازاده وزیر نفت حکومت اسلامی این تصمیم

بلافاصله اثر خود را بر قیمت ها آشکار ساخت و قیمت نفت در هر بشکه به میزان یک دلار و ۵۰ سنت افزایش یافت. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کمیته نظارت بر بازار نفت این کاهش تولید را برای رسیدن به قیمت حداقل ۲۱ دلار در هر بشکه که در اجلاس تابستان گذشته در مورد آن توافق شده بود، صورت داده است.

بدنبال تصمیم اوپک جمهوری اسلامی اعلام کرد که تولید خود را ۱۸۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد داد. دو هفته پیش از این وزیر نفت گفته بود تولید روزانه نفت جمهوری اسلامی یک صد هزار بشکه افزایش یافته است. آتازاده وزیر نفت تاکید کرد، کاهش تولید به میزان ۱۸۰ هزار بشکه به شرطی صورت خواهد

گرفت که دیگر کشورهای عضو اوپک نیز از این تصمیم پیروی کنند. گفته می شود عربستان سعودی به دلیل هزینه ۵۰ میلیارد دلاری که در جنگ متحمل شده است مایل به کاهش همده ای در تولید خود نیست، از سوی دیگر به نظر نمی رسد کویت و عراق در آینده ای نزدیک بتوانند صدور نفت خود را از سر بگیرند. آتازاده گفت جمهوری اسلامی خواهان کاهش نفت به میزان ۱۰ درصد بوده است تا امکان دسترسی به قیمت ۲۱ دلار برای هر بشکه نفت سرریعتر میسر شود.

بسیاری از کشورهای عضو اوپک، موفقیت این سازمان را در توافق برای کاهش تولید نفت، نشانه ای از استحکام این سازمان ارزیابی کرده اند.

دلگرم نگاه داشتن مواداران رژیم به ادامه آرمان های خمینی از سوی دست اندرکاران کنونی، بر زبان رانده می شود.

یک مقام آمریکایی اخیرا گفته است: بهترین نمونه غلبه منافع ملی بر منافع اسلامی واکنش های شورش های کردها و شیعیان عراق علیه صدام حسین است. مقامات جمهوری اسلامی ضمن حمایت از گروه های شیعه فاصله خود را با رویدادهای عراق حفظ کرده اند و تنها به صدام حسین تذکر داده اند که برای فرونشانی قیام ها از بکار گرفتن قوه تعزیه خودداری کنند.

از "غلبه منافع ملی" در این رژیم که سخنی نمی تواند در میان باشد، اما ناآرامی های اخیر عراق و سیاست دولت رفسنجانی در قبال آن نشان داده است که حاکمان ایران تا چه اندازه از آرمان های اسلامی خمینی تعی فاصله گرفته اند.

بقیه از صفحه اول

عراق و سایر کشورها برای برقراری امنیت در منطقه بکوشد. در کنار همه این تلاشها باید گفت دولت رفسنجانی پایان دادن به انزوای حکومت خود در میان کشورهای عربی را هم چون همده ترین سمت سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی، تشدید تاثیرگذاری در تحولات و فراهم شدن امکان شرکت در پیمان ها و توافقات امنیتی منطقه انتخاب کرده است. در این زمینه رفسنجانی در حال از میان برداشتن "آخرین سنگرهای" مقاومت تندرویان و میراث های باقی مانده از خمینی است. بدنبال از سرگیری رسمی مناسبات با اردن، بهبود مناسبات با کشورهای عربی خلیج فارس و آغاز گام های اولیه برای برقراری روابط رسمی

بقیه از صفحه اول

خندیدم به پایان آمد و مردتم
ستمگرا نه، یکی بادیگری، ای کبوتر...
چه شامگاهانی دارد با خود، این روزان آفتابی

مردم پر بردگان سرگشتگی اند!
گیتی را می است برای عشق ورزیدن
همانگونه که راهی برای مردن .
هنوز می باید زیست
گرچه در روزان تاریک
در وای اشک ها و خون ...

بقیه از صفحه اول

بلافاصله اثر خود را بر قیمت ها آشکار ساخت و قیمت نفت در هر بشکه به میزان یک دلار و ۵۰ سنت افزایش یافت. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کمیته نظارت بر بازار نفت این کاهش تولید را برای رسیدن به قیمت حداقل ۲۱ دلار در هر بشکه که در اجلاس تابستان گذشته در مورد آن توافق شده بود، صورت داده است.

بدنبال تصمیم اوپک جمهوری اسلامی اعلام کرد که تولید خود را ۱۸۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد داد. دو هفته پیش از این وزیر نفت گفته بود تولید روزانه نفت جمهوری اسلامی یک صد هزار بشکه افزایش یافته است. آتازاده وزیر نفت تاکید کرد، کاهش تولید به میزان ۱۸۰ هزار بشکه به شرطی صورت خواهد

از رویدادهای ایران

توده دودسیاه در جنوب ایران

مناطق جنوبی ایران هم چنان تحت تاثیر آلودگی های محیط زیست، ناشی از جنگ خلیج فارس، قرار دارند. طی هفته گذشته دود فلیظی که از سوختن چاه های نفت کویت به وجود میاید، چندین بار به سمت آسمان ایران به حرکت در آمد و حداقل ۳ بار آسمان شهر گناوه را پوشاند. فلظت این دود چنان بود که هر بار آسمان کاملا سیاه می شد و شهر در تاریکی فرو می رفت.

خامنه ای در دیدار با مسئولین بخش خبر صدا سیما از آنان خواست در دستچین کردن و سانسور اخبار دقت بیشتری کنند. او ضمن اشاره به اهمیت نقش خبر در رشد آگاهی های عمومی و بینش سیاسی مردم،

اهمیت ظرافت و دشواری کار تهیه و تنظیم خبر را مورد تاکید قرار داد و گفت: فعالیت در امور خبری یک کار سیاسی است و قطبهای سیاسی جهان امروز کار خبر را به عنوان یکی از مهمترین اقدامات سیاسی در نظر می گیرند. او افزود: انتخاب و گزینش اخبار بر اساس منافع بانندی و گروهی خیانت به نظام اسلامی است و تهیه کنندگان بخش خبر باید از وارد شدن به خطبازهای سیاسی پرهیز کنند. او در پایان توجه به امور خبری و پرهیز از خطاهای امور دتاکید قرار داد. بدنبال این دیدار اعلام شد که صدا سیما تصد دارد به منظور کاهش وابستگی خود به خبرگزاری های خارجی، دفتر خبری خود در خارج افعال کند.

تاکید سران رژیم بر ادامه نقش روحانیت در اداره جامعه

مردم بیدار کرد. وی تاکید کرد: راه هزت و نجات راهی است که قرآن نشان می دهد.

احمد خمینی نیز طی سخنانی بهمین مناسبت گفت: چهره نظام روحانی است و روحانیت باید با تمام وجود به گونه ای عمل کند که حافظ حیثیت و آبروی نظام ما باشد. او افزود: دشمنان نظام از دشمنان روحانیت جدا نیستند. وی اعتراف کرد: ما مدعی نیستیم که مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی جامعه را بطور کامل حل کرده ایم، اما می توانیم مدعی باشیم که جریان و حرکت نظام دقیقاً برگرفته از خط امام است. احمد خمینی مدعی شد: اگر شخصیت امام برای مردم ناشناخته بماند آنها دچار سرگردانی خواهند شد.

خامنه ای در دیدار با گروهی از روحانیون به مناسبت شروع ماه رمضان، بار دیگر نقش روحانیت در اداره جامعه را مورد تاکید شدید قرار داد. وی تاسیس نظام اسلامی در ایران را حادثه ای بی نظیر در طول تاریخ و گنجینه ای از تلاش و مجاهدت هزار ساله علمای اسلام دانست و گفت: این را نباید با فطرت ها و بی توحمی ها و انحراف ها خدشه دار ساخت. خامنه ای استمرار هدایت مردم از راه ایجاد تحول همیق درونی، روشن کردن اذهان، خلوص اعمال و تبدیل آنان به یک مومن واقعی با اخلاق اسلامی را وظیفه اصلی علمای فاضلی اسلام نامید و گفت با استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان باید روح معنویت را در

درگیری پاسداران با یک کاروان بزرگ قاچاقچیان

این فرمانده در جریان این عملیات ۳ تن مرعوبین منهدم گردید، ۸ دستگاه خودرو قاچاقچیان منهدم گردید و مقادیری سلاح از آنان به فینمت گرفته شد. رژیم اعدام گسترده کسانی را که قاچاقچی می خوانند هم چنان ادامه می دهد. هر هفته ده ها نفر از این افراد اعدام می شوند. تنها در هفته اخیر بیش از ۱۰۵ تن در شهرهای مختلف اعدام شده اند اما شصت مرگبار رژیم در برابر این افراد، بر خلاف ادعاهای مکرر مسئولین و سران رژیم - نتوانسته است چاره ساز قاچاق مواد مخدر که تا تاروپود جامعه ما نفوذ کرده است باشد. قاچاقچیان در کاروانهای بزرگ و افراد مسلح بسیار - که هر کدام ارتش کوچکی هستند - میهن ما را جولانگاه خود ساخته اند.

به گزارش رادیو دولتی تهران پاسداران کمیته انقلاب اسلامی طیس موفق شدند یک باند بین المللی قاچاق مواد مخدر را در کویر طیس متلاشی کنند. فرمانده کمیته انقلاب اسلامی خراسان ضمن اعلام این خبر افزود در این عملیات قرارگاه های مفتاح، سلمان و محمد رسول الله نیز با پاسداران طیس همکاری داشته اند و نیروهای دولتی در فاصله ۲۶ تا ۲۸ بومن و ۱۳ تا ۱۵ اسفند پس از محاصره کاروان قاچاقچیان در کویر و چند نوبت درگیری، ده ها تن از قاچاقچیان را کشته و زخمی کرده اند. این عملیات از پشتیبانی هلی کوپترهای هواییروز کرمان نیز برخوردار بوده است. به گفته

محاکمه قاتلان دیپلمات جمهوری اسلامی

لاهور را بعهده داشت. وی سه ماه پیش، چند روز قبل از پایان ماموریتش در برابر یک هتل مورد سوقتد قرار گرفت و به قتل رسید. جمهوری اسلامی مسئولیت این قتل را متوجه یک گروه مذهبی وهابی به نام سپاه صحابه که گفته می شود عامل عربستان سعودی است، دانسته است.

دادگاه پاکستان، حق نواز، فردی را که متهم به قتل صادق گنجی دیپلمات جمهوری اسلامی در آن کشور شده بود به دوبار اعدام و مصادره اموال محکوم کرد. علاوه بر وی ۷ نفر دیگر نیز به جرم شرکت در قتل به ۲۵ سال زندان محکوم شدند. صادق گنجی سرپرستی دفتر فرهنگی جمهوری اسلامی در

امکانات باز هم بیشتری برای "فرزندان شاهد"

آینده بتوانند پست های کلیدی را در اداره جامعه و در مسئولیتهای سیاسی و فرهنگی و دانشگاه ها در بخشهای مختلف بر عهده گیرند. لازم به گفتن است هم اکنون نیز بخش عمده ای از امکانات ناچیز کشور به ویژه در هرصه آموزشی و دانشگاه ها بطور ناهادانه ای در اختیار این گروه قرار دارد. ۴۲۵ مدرسه، یک دانشگاه و ویژه ۱۴ هزار واحد مسکونی و چند بیمارستان تخصصی و مجهز در تهران و سایر نقاط از جمله امکاناتی است که به فریاز ستمیهای ویژه از امکانات عمومی، در اختیار "فرزندان شاهد" قرار گرفته است.

رفسنجانی در سخنانی خطاب به مسئولین بنیاد شهید وعهده داد که امکانات بیشتری در اختیار فرزندان شهدای وابسته به رژیم قرار گیرد و در آینده پست های کلیدی اداره جامعه در اختیار آنها گذاشته شود. رفسنجانی خانواده های شهدای رژیم را سرمایه تاریخ انقلاب و عزیزترین بخش جامعه خواند. او گفت: فرزندان شاهد که وارث خون شهدا هستند و فادارترین انسانها نسبت به اسلام و جامعه و اهداف انقلاب اسلامی بشمار می روند و وظیفه دولت و مردم است که به آنها توجه خاص داشته باشند. رفسنجانی افزود: فرزندان شاهد باید در

نرخ ارزهای خارجی

تومان و فرانک فرانسه ۲۵ تومان و ۷ ریال مورد معامله قرار گرفتند. بانک مرکزی نیز نرخ دلار شناور را به میزان ۱۰ ریال کاهش داد و آنرا به بهای ۱۳۷ تومان و یک ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار داد.

قیمت ارزهای خارجی برای دومین هفته متوالی، در بازار آزاد به سقوط خود ادامه دادند. از آخر هفته گذشته دلار آمریکا، نسبت به نرخ دو هفته پیش خود، ۴ تومان کاهش یافت و ۱۳۸ تومان معامله شد. لیره استرلینگ ۲۵۷ تومان، مارک آلمان ۸۸

خبرها و نظرها

کنفرانس "چگونگی ائتلاف نیروهای سیاسی"

تقطعه نظرهائی دفاع کند که اکثریت آن جریان به عنوان شیوه مبارزاتی انتخاب کرده است. این روش هم اعتبار سازمان سیاسی را بالا می برد و هم در راستای ائتلاف و یا سایر جریان های سیاسی کار ساز است.

ما به عنوان نیروی مشروطه خواه، این واقعیت را انکار نمی کنیم که در حرکت مشروطه خواهی حالت چند پارچگی و بهم ریختگی و درگیری وجود دارد. بنا بر این مشروطه خواهان باید هم زمان با تلاش های وحدت طلبانه خود صفوف خود را نیز در قالب یک مرکزیت و ارتباط نوین یکپارچه و پرتوان کنند تا با هم دلی و اتفاق نظر و گرفتن مواضع یکسان و هم آهنگ، سرمایه بزرگی را برای یک اتحاد و ائتلاف نیروها تامین کنند قرار گیرد. در این مرحله از مبارزه اصرار بر نوع نظام حکومتی ایران آینده چه پادشاهی مشروطه و چه جمهوری به هر نوع آن با توجه شعار مشترک حاکمیت مردمی میتواند فقط باز دارنده یک حرکت یکپارچه و یک استراتژی هم آهنگ باشد. و اینجا است که ما مشروطه خواهان با اعتقاد راسخ باین که نظام پادشاهی مشروطه بهترین نوع نظام حکومتی برای ملت و کشور ایران است، حق این انتخاب را از آن ملت ایران می دانیم و بنا بر این از دید ما هدف از ائتلاف و آماده کردن شرایطیک پیکار ملی، جایگزینی نظام ولایت فقیه با حاکمیت مردمی است.

دکتر هلی راسخ افشاری در بخشی از سخنان خود ابراز داشت:

بطور کلی انسان ها در پنج پهنه میتوانند با یکدیگر به نوعی کار سیاسی واجتماعی بپردازند.

یکم - مذاکره، به بحث نشستن و گفتگو کردن انسان ها با طرز تفکر گوناگون که تنها برای شناختن و آشناسدن به مواضع یکدیگر انجام میگیرد.

دوم - همکاری محدود در انجام یک برنامه عملی مشخص. وی در این زمینه تشکیل جبهه واحد از تمامی نیروهای اپوزیسیون ایران برای دفاع از زندانیان سیاسی را بعنوان مثال ذکر نمود.

سوم - ائتلاف

چهارم - اتحاد و وحدت سازمانی.

پنجم - تجمع و همکاری انسانها در سازمانهای سیاسی - دینی و یا سیاسی -

ایدئولوژیک و سپس نتیجه گیری نمود که:

ائتلاف کردن و به قدر مشترک هائی رسیدن خود یک پروسه است که بایستی آنرا با بحث و گفتگوی جریان های مختلف سیاسی با یکدیگر در محیطی آرام و با رعایت نزاکت سیاسی و آداب انسانی شروع کرد و اینجا و آنجا که لزوم یک کار، یک آکسیون مشخص احساس شد به کار عملی پرداخت تارفته رفته مواضع روشن شود. و قدر - مشترک -ها تبلور یابد و زمینه انسانی و فکری ائتلاف جبهه ای فراهم آید. ما جبهه ملی ما ناگفته پیداست که جبهه ملی را صالح ترین سازمان برای تجمع تمامی نیروهای ملی ایران می دانیم. ما معتقدیم که بایستی هر چه زودتر سلطنت طلبان، چپ گرایان و مذهبی ها نیز که با میلیون چهار جریان عمده را تشکیل میدهند در درون خود با هم ائتلاف کنند تا هم مرکزیت و پرتوان آنها مشخص شود و هم بتوانیم با یکدیگر در آکسیون ها تشریک مساعی کرده آنجا که ممکن است با هم ائتلاف کنیم.

دکتر حسن کیانزاد نماینده جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی در سخنان خود چنین ابراز نظر کرد:

۱- ما ائتلاف سیاسی گروه ها و سازمان های سیاسی اپوزیسیون را با توجه به فرهنگ نوین سیاسی یعنی فرهنگی بدور از قهر و کین انسانی و نگرش های جزم گرایانه بینشی و مذهبی، بر اساس پذیرش اصول آزادی و دموکراسی و پلورالیزم سیاسی که با حفظ پاسداری از حقوق بشر و حرمت انسانی راز و بالاترین یافته های بشری میدانم و مورد پشتیبانی قرار میدهم.

۲- ائتلاف میان گروه های سیاسی اپوزیسیون بر اساس اهداف مشترک و همسو می تواند نخست به گونه پایهای میان دو گروه همگون سیاسی و سپس با تعیین اهداف کوتاه میان و دراز مدت استراتژیک به

ماه گذشته در شهر زوربخ کنفرانسی با ابتکار جبهه ملی ایران در اروپا بعنوان "چگونگی ائتلاف نیروهای سیاسی" برگزار گردید. در این کنفرانس نمایندگان سازمان سوسیالیست های ایران، جبهه ملی ایران در اروپا، شورای هماهنگی طرفداران مشروطه، جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، نهضت مقاومت ملی ایران شرکت داشتند، ما در اینجا بخش هایی از سخنان شرکت کنندگان در این کنفرانس را انتشار می دهیم.

دکتر منصور بیات زاده نماینده سازمان سوسیالیست های ایران در سخنان خود منجمله مطرح کرد:

"سازمان سوسیالیست های ایران از بدو شروع فعالیت خود روشن ساخته است که ما "وحدت کلمه" و با سیاست "همه باهم" مخالف بوده و به هیچ وجه با ائتلاف تمام نیروهای مخالف ولایت فقیه توافق تدارد، و چنین ائتلاف "بزرگ ملی" را به نفع تحقق دموکراسی در ایران ارزیابی نمی کند. زیرا همانطور که قبلا اشاره رفت دموکراسی احتیاج به حضور و وجود سازمانها و احزاب سیاسی متفاوت و حتی متضاد دارد. به نظر ما نباید بار دیگر زمینه های مخدوش نمودن مرزهای سیاسی را زیر شعار "وحدت کلمه" فراهم آورد بلکه باید به نیروهای متضاد اجتماعی امکان و اجازه داد که نظرات خود را هماهنگ و تنظیم نموده خود را برای شرکت در جامعه پلورالیستی آینده ایران آماده سازند. ما بر این باوریم که در اثر ائتلاف و همکاری مشترک نیروهای دموکرات و آزادیخواه است که می توان نیروهای دموکراتیک در مقابل رژیم جمهوری اسلامی وجود آورد. بدین خاطر مدتی است که پیشنهاد یک تشکل "جبهه" ای از نیروهای دموکرات مذهبی و غیر مذهبی ناسیونالیست های دموکرات - با حفظ استقلال تشکیلات سیاسی بر پایه طرح ۸ ماده ای نموده ایم."

۱- قبول جمهوری پارلمانی و حکومت قانونی و نفی حکومت ایدئولوژیک در ایران.

۲- قبول دموکراسی و آزادی و تحقق یک جامعه پلورالیستی در ایران.

۳- اعتقاد به حاکمیت ملی.

۴- دفاع از استقلال و نفی هر گونه وابستگی به بیگانه.

۵- دفاع از تمامیت ارضی و حل مسئله ملی.

۶- جدایی دین از دولت.

۷- ایجاد دولت رفاه اجتماعی.

۸- لفقو قانون اهدام و ممنوعیت هر گونه شکنجه.

دکتر بیات زاده همچون معتقد بود، نیروهایی که بخاطر اختلاف نظری و عقیدتی امکان ائتلاف سیاسی را با یکدیگر ندارند در رابطه با مسائل مشخص مورد توافق (برای مثال دفاع از زندانیان سیاسی) با هم اتحاد عمل نمایند. در مراحل مشخص از مبارزات سیاسی، آنجا که نیروهای متضاد موجود در برابر واقعه ای با خواست مشخص، همگردد و برداشت مشابه دارند، ولی حاضر به اتحاد عمل با یکدیگر نیستند، هماهنگی و همسوئی مبارزات نیروها ضرورت دارد. صرف نظر از این دکتر بیات زاده در رابطه با برگزاری میزگرد بین نیروهای متضاد بخاطر ایجاد یک جو سالم و فرهنگ دموکراسی پافشاری می کرد.

دکتر هلی هیینی نماینده شورای هماهنگی طرفداران پادشاهی مشروطه در سخنان خود منجمله مطرح کرد:

باید پذیرفت گرایشها و تمایلات ملی و آزادیخواه هنوز بیان کننده نیروهای متشکلی نیستند. و تحقق فرض ائتلاف بدون تشکل سیاسی درون سازمانی امری دست نیافتنی است، بنا بر این انجام و آرایش سیاسی در درون گرایشها ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

دموکراسی تا آن مرز پذیرفتنی است که هر جناح سیاسی در درون جریان سیاسی خود با آزادی کامل از گرایشهای جناحی خود دفاع کرده، تسلیم اکثریت آن جریان شود و یا انشعاب کند. ولی اگر بر معیار رایج در اقلیت قرار گرفت و انشعاب نکرد از

اسماعيل خوئي: نقد سگتاريسم در عرصه هنر

در چند شماره اخير نشریه پیام کارگر مصاحبه‌ای با آقای اسماعیل خوئی انتشار یافته است. وی در بخشی از این مصاحبه انتقاد تندی از برخورد سازمان‌های چپ با مسائل فرهنگی و هنری می‌نماید. از آنجا که این موضوع از مسائلی است که همواره در درون سازمان‌های چپ مورد بحث بوده است، این بخش از مصاحبه ایشان را در اینجا درج می‌کنیم:

می‌گذارند قصد این نیست که شب شعر بگذارند. قصد این است که بگویند ما بودیم که شب شعر گذاشته‌ایم. آنگاه که نمایشگاهی ترتیب می‌دهند، قصد این نیست که کمک و یا خدمتی به فرهنگ پیشرو ایران کرده باشند. قصد این است که بگویند ما نیز می‌دانیم که فرهنگ و هنر پیشرو یعنی چه. فرهنگ و هنر برای چپ امروز ایران به گویا مطرح نیست. برخورد چپ پیشرو با فرهنگ و هنر، یک برخورد ماکیاویلیستی است. یک برخورد بهره‌جویانه است. یک برخورد تاکتیکی است. نه یک برخورد صمیمانه و جدی و از روی اعتقاد. چپ پیشرو همچنانکه در راستای سیاست قبیله‌ای شده، یعنی از درون به سگتاریسم دچار شده، در برخوردش با ادبیات و هنر و فرهنگ نیز از درون به سگتاریسم دچار است. هر سازمانی هنرمندان و ویژه خود را دارد و هر کدام از این سازمان‌ها، آنگاه که شبی فرهنگی می‌گذارند، باز انگار این شب را برای افراد قبیله و یا خانواده خودش می‌گذارند. در لندن خود من این را به تجربه دریافته‌ام، آنگاه که برای خودم، از سوی کانون نویسندگان ایران شب شعری گذاشته شده است مثلاً چهارصد پانصد نفر آمده‌اند اما آنگاه که دانشجویان هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در سالگرد کشته شدن سعید سلطانپور شبی را خواستند برگزار کنند همان آقای اسماعیل خوئی قرار بوده است شعر بخواند، ۱۵۰، ۱۶۰ نفر آمده‌اند، اوائل من فکر می‌کردم که این چگونگی محدود است به سگتاریسمی که این سازمان از درون به آن دچار است، اندک اندک پی بردم. نه، که همه سازمان‌های دیگر هم همینطور هستند.

کردارهای ضد اخلاقی، آشتی‌هایی عظیم‌تر از این نمی‌توان کرد. کردارهای انسان بخش بر سه می‌شود، کردارهای اخلاقی، کردارهای ضد اخلاقی و کردارهای فرااخلاقی. اینکه من راست بگویم، کردار نیست اخلاقی، اینکه ما این آبگوشت بخورم، کردار نیست اخلاقی، از گستره اخلاق اصلا بیرون است. آبگوشت خوردن من ارزش اخلاقی ندارد. نه خوب است و نه بد است. بسیاری از کردارهای انسان، رنگ و انگ مشخص اخلاقی ندارند، به اعتبار همین تفکیک در برخورد با سیاست نیز، کردارهای انسان بخش بر دو نمی‌شوند، یک، کردار سیاسی و دو، کردار ضد سیاسی. در کنار این دو کردارهای فرا سیاسی نیز داریم که رنگ و انگ سیاسی نمی‌تواند داشته باشند. فرهنگ به گمان من یک چنین چیزی است. حافظ فردوسی، شکسپیر و زبان فارسی اینجا چی هستند؟ سیاسی هستند یا ضد سیاسی؟ پاسخ این هست که فرا سیاسی هستند. ربطی به این مقوله ندارند. نکته اما اینست که برخورد سازمان‌های چپ با فرهنگ، برخورد سیاست زده است. یا با ما باش یا اصلاً نباش! آیا هرگز پیش آمده‌است که شما در نشریه "جهان" بایکی دیگر از نشریات سازمان چریک‌های فدایی، شعری از حسن حسام، یا از کمال رفعت صفایی، یا از نادرپور یا از محمد سحر بخوانید؟ شعر یعنی شعر سعید سلطانپور و خسرو گلسترخی، همین و بس. "راه کارگر" را که باز می‌کنید، شعر یعنی شعر حسن حسام و برخی از کشته شدگان آن. در این راستا البته دوتا از شاعران ما جان سالم بدر برده‌اند. نخست احمد شاملو، دوم رضا شفیعی کدکنی. اما چرا جان سالم بدر برده‌اند از این بدبختی فرهنگی، از این تنگنا، علتش این است که آنها در ایران هستند، یعنی در دسترس چپ سرخورده و بدبخت بیرون از کشور نیستند. اگر می‌بودند در اینجا، اگر احمد شاملو می‌بود در فرنگ، بناگزی می‌باید موضع خودش را مشخص می‌کرد. اگر رضا شفیعی اینجا می‌بود بناگزی رانقدر به پروبالش می‌پیچیدند تا سرانجام موضع خودش را مشخص بکنند. و آنگاه او نیز یک حسن حسام یا یک پامحمد سحر و یا یک اسماعیل خوئی می‌شد. خوب شانس آورده‌اند که در تیررس شما نیستند. البته شرط انصاف این است که بگوییم تا زگیها "راه کارگر"

یک ناپر هیزیهایی میکند. ولی بحث بر سر این نیست. بحث بر سر سگتاریسم سیاسی است که به سگتاریسم فرهنگی نیز بدل شده است. بحث بر سر این است که فرهنگ را، چپ پیشرو، سیاست زده کرده است. بجای آنکه سیاست خودش را فرهنگی کند، که آدم‌های بی فرهنگی هستند. شما نوشته‌های مارکس را که بخوانید، یا زندگی نامه‌اش را بگیرید بخوانید، می‌بینید که مارکس از شکسپیر تا حافظ از هومر تا داستایوسکی همه را می‌شناسد. و تئیکه می‌خواهد دخترش را بخواباند با شعر او را می‌خواند. امیر پرویز پویان فقط شونونده شعر من نبود، منتقد شعر من هم بود. سازنده شعر من هم بود. یعنی می‌گفت اسماعیل اینجا را اگر اینچنین بگوئی، بهتر میشود و اغلب فکر می‌کردم که درست است. حق با او است. از آنجا آغاز کرده‌ایم و به جبار سیده‌ایم! چپ بی فرهنگ و به نظر من حتی چپی ضد فرهنگ، قبیله‌هایی یا خانواده‌هایی که از درون سیاست زده است و از بیرون هیچگونه بار و اعتبار فرهنگی ندارد و نه می‌شناسد. من از شما تشکر می‌کنم بر راستی که یکی از شعرهای مرا در "راه کارگر" چاپ کردید. ولی راه حل این نیست، حرفی که من می‌زنم این است که چرا این نعمت میرزا زاده چاپ نمی‌کنید؟ ولی روی سخن من بر راستی فقط با "راه کارگر" نیست. من می‌گویم چرا در نشریه‌های سازمان چریک‌های فدایی شعری از حسن حسام چاپ نمی‌شود؟ چرا در نشریه‌های کوموله، شعری از نعمت میرزا زاده چاپ نمی‌شود. چرا محمد سحر در هیچکدام از این نشریه‌ها هیچگونه بازتابی ندارد؟ چرا از سوی دیگر آنگاه که یکی از این نشریه‌ها، شعری از شاعری چاپ می‌کند انگار که رشوه‌ای به او داده است. انگار که حسابی با او باز کرده است که بعداً می‌خواهد از آن بهره‌برداری کند؟ تفاوت من که در فریت هستم با رضا شفیعی که در ایران است، چیست؟ جز اینکه من در فریت خود بناگزی ر گفته‌ام که چگونه می‌اندیشم، او در ایران فرصت نداشته است که بگوید چگونه می‌اندیشد. یا شاملو همچنین، یا اخوان همچنین، چرا از اخوان هیچ چیز، هرگز هیچ چاپ نمی‌شود؟ اخوان یکی از درخشانترین شاعران امروز ایران نیست؟

گونه ائتلاف مطلوب در حد امکان نظری و سازمانی با گروه‌های نامگون سیاسی گسترش یابد. ۴- جنبش همبستگی در این برهه سخت از تاریخ مصیبت بار میهنمان، تشکیل جبهه دفاع از حقوق بشر و حرمت انسانی را در کنار دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران از اساسی ترین و مهمترین و انسانی ترین وظایف اپوزیسیون دانسته، اعلام آترابه گونه گسترده ملی از اولویت‌های حاد زمان بشمار می‌آورد. ما بر این باوریم که با کار و کوشش و همکاری در این جبهه، خواهیم توانست از نظر انسانی به یکدیگر نزدیک‌تر شویم، به منش و پندار یکدیگر بیشتر آشنا گردیم و گام‌های نخستین را در راستای ساختار ائتلاف‌های سیاسی آینده برداریم. خانم هفت‌داداش پور در سخنان خود مطرح نمود:

بوده این سازمان هاکنیه به مبارزات مردم ایران و تفاهم گرایشهای سیاسی جامعه را سرلوحه عمل خود قرار دهند. از این رو همکاری سازمانهایی که پذیرای مردم سالاری در ایران هستند مستلزم سیاست مشترکی نسبت به رژیم، نیروهای اپوزیسیون و دولت‌های خارجی است. ما در حالی که سیاست گفتگوی آشکار و مباحثه با تمام نیروهای سیاسی را برای پیشبرد شعار انتخابات آزاد ادامه می‌دهیم، می‌کشیم از طریق مذاکره برای رسیدن به یک سیاست و روش پیکار مشترک زمینه همکاری با سازمان‌هایی را که پذیرای دموکراسی هستند بوجود آوریم. هدف ما از گفتگوی میان با طرفداران حکومت اسلامی تقویت گرایش و گفتار آزادیخواهانه‌ای است که از مقابله فکری و سیاسی با مخالفین نمی‌هراسد و می‌تواند در شرایط معینی به گشودن فضای سیاسی کشور کمک کند. در مناظره با سلطنت طلبان نیز هدف ما تصریح روند شکل‌گیری گرایش‌های آزادی خواهانه این طیف در سازمانی متمايز است که مستقل از دولت‌های خارجی، بر اساس برنامه و سیاستی دموکراتیک پایه‌ریزی گردد و با نقد گذشته استبدادی رژیم پهلوی نفي مشروطیت قانون اساسی سابق و در نتیجه کنار گذاری عنوان پادشاهی و شهریاری تعهد خود را به قواعد مردم سالاری به ثبوت رساند. دکتر شاهرخ وزیری نماینده نهضت مقاومت ملی ایران در سخنان خود منجمله بیان کرد: نهضت مقاومت ملی ایران از هنگام تاسیس خود بر لزوم همکاری و دیالوگ بین دیدگاه و گرایشات مختلف اپوزیسیون تاکید داشت. ولی در عین حال معتقد بود و هست که تنها مخالفت با رژیم اسلامی حاکم دلیل کافی برای وجود این دیالوگ و همکاری نیست. کسانی می‌توانند در این دیالوگ و همکاری در سطح دموکراتیک شرکت جویند که معتقد به اصول حاکمیت ملی، دموکراسی کثرت‌گرا و احترام به حقوق اقلیت‌ها باشد. در مورد مسئله ائتلاف، نهضت همواره معتقد به لزوم ائتلاف بین نیروهای ملی و مترقی ایران بوده است. از نظر ما نیروهای ملی و مترقی که هویت مشترکشان را در انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، مبارزه علیه دیکتاتوری پهلوی و مبارزه علیه استبداد مذهبی می‌توان یافت باید بتوانند به یک ائتلاف وسیع دست یابند که این ائتلاف که باید خود بوجود آمدن یک تشکیلات سیاسی مشترک بانجامد. این نیروها که علاوه بر قبول حاکمیت ملی و دموکراسی کثرت‌گرا به عدالت اجتماعی، استقلال سیاسی و جدایی مذهب از حکومت نیز اعتقاد دارند باید با نزدیک شدن به یکدیگر شرایطی را بوجود آورند که در آینده بوجود آمدن یک خلاسیابی نتواند باعث روی کار آمدن یک دیکتاتوری جدید شود. زیرا عاملین فساد سابق و دیکتاتوری و فساد حاضر با هم خویشاوندی سیاسی دارند و نقطه مشترکشان مبارزه علیه نیروهای ملی و مترقی است

www.iran-astan.com

بیستین سالگرد جنبش فدائیان راه‌رچه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

ES LEBE DER 20. JAHRESTAG DER O.V.F.I. (MEHRHEIT)

زمان: شنبه ۶ آوریل ۱۹۹۱
ساعت: ۱۸ بعد از ظهر
مکان: مشورپور، خواتنده باران و برنج و بهار، ظرونچی، 6 April 1991

همراه با برنامه‌های شاد موسیقی: ارکستر جاز موسیقی ایرانی، اجرای ترانه‌های خاطره‌انگیز و رقص‌های محلی ایران، رقص‌های کودکان، خواننده ترانه‌های شور انگیز آذربایجانی، در جشن بیست سالگی جنبش فدائیان، موسیقی عاشقانه آذربایجانی، موسیقی آمریکایی لاتین

Am: 6 April 1991
Burgerhaus Troisdorf GMBH
Wilhelm - Hamacher - Platz 24
5210 Troisdorf

سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت)

بقیه از صفحه ۸

جهان سوم و جهانی شدن سیستم اطلاعات و ارتباطات

دسترسی به اطلاعات در مورد تبلیغات، برنامه ریزی، هدایت، توزیع و پخش به عامل بنیادی در زمینه چگونگی تولید بدل شده است. از سوی دیگر امکان تقسیم نوین کار در هرصه جهانی نیز از پیامدهای انقلاب اطلاعاتی است، زیرا هم گرایشی ها و هم سانیهای تکنیکی میان پرداخت داده ها (کامپیوتر) و ارتباط راه دور (unikation - Telekomm) امکان کاربرد گسترده انتقال، ضبط و پرداخت اطلاعات و داده ها فراهم آورده است. در کنار گسترش تنوع و کیفیت کاربرد اطلاعات و خبرها، به کمک سیستم وسیع و پرمایه Network ISDN ed Service Digital (Integrat) یک شبکه واحد اطلاعات و خبررسانی در حال پدید آمدن است که سراسر جهان را زیر پوشش می گیرد. این شیوه خبررسانی گسترده پیامدهای وسیع و پرمایه ای دنبال خواهد داشت. این شیوه نامرمانی و تفاوت میان زمان، مکان و فضا در نقاط مختلف جهان را از میان بر خواهد داشت و بر بستر محدود و کوتاه تر شدن مدار تولید، دینامیسم سریع و پرشتابی از درهم آمیزی اجتماعی پدید خواهد آورد که همه هرصه های کار و سرمایه وزندگی شخصی را زیر تاثیر خود خواهد گرفت. جهانی شدن همه امور و پدیده ها بدون توجه به نقش اطلاعات و خبررسانی قابل بررسی نیست. از آنجایی که تولید خبر و اطلاعات محصول هینی مشخص را پدید نمی آورد و از آنجایی که این محصول از روند زندگی اجتماعی پدید می آید، لذا کمبود و محدودیت برای آن وجود ندارد. جهانی شدن اطلاعات گسترده و خبررسانی، به معنای بین المللی شدن روند زندگی و تماس میان فرهنگ هاست. روند جهانی شدن زندگی و امور اجتماعی در آینده با شتاب هر چه بیشتری ادامه خواهد یافت.

بازار مشترک اروپا، آمریکا و ژاپن انحصارگران اطلاعاتی

بازده اقتصادی صنعت اطلاعات و ارتباطات در هرصه جهانی بیش از آن چیزی است که تاکنون تصور می شد. سال ۱۹۸۶ درآمد این صنعت به ۱۱۰۰ میلیارد دلار رسید که ۱۰ درصد درآمد صنعتی جهان است. سهامداران اصلی صنعت اطلاعات و خبررسانی آمریکا، بازار مشترک اروپا و ژاپن می باشند. در حالیکه این سه کانون ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی دنیا را تولید می کنند، سهم آنها در تولید اطلاعات و خدمات ارتباطاتی به ۹۰ درصد بالغ می شود. در این سه مرکز بیش از ۳۰۰ کنسرن چندملیتی خبری ارتباطاتی وجود دارند که درآمد متوسط سالانه آنها بر ۱۸۰ میلیون دلار بالغ می شود. در حالیکه این کنسرن ها ارتباط همودی چندانی با هم ندارند، رابطه و پیوندهای انقی آنها ساخت متمرکز و فشرده است و گرایش فزاینده ای به سوی ایجاد مجموعه های از کنسرن های اقدام شده نشان میدهد که در درون آنها بیش از پیش تقسیم کار صورت میگیرد. برای نمونه بخشی از آنها در زمینه صنعت پرداخت اطلاعات (مانند

Presse Service) در مجموع یک میلیون کلمه به سراسر جهان مخابره کرده اند. تولید خبرگزاری جنبش غیرمتعهدها ۱۰۰ هزار کلمه، خبرگزاری پان آمریکا (PANA) ۲۰۰۰ کلمه و بنگاه خبری خلیج تنها ۱۸۰۰۰ کلمه در روز می باشد. خبرگزاری تاس (شوروی) نیز به رغم تولید روزانه ای معادل ۴ میلیون کلمه، به سبب تعداد اندک نمایندگی هایش در خارج، هیچگاه جزو خبرگزاری های بزرگ به شمار نیامده است.

باید یادآور شد که خبرگزاری های جهان در وضعیت یکسان و همانندی قرار ندارند. برای نمونه، UPI چند سال پیش به سبب خرابی اوضاع مالی به ورشکستگی کامل نزدیک شد، IPS (خبرگزاری جهان سوم) هم اکنون با بحران ادامه موجودیت روبروست، رویتر عمدتاً به پخش اخبار و اطلاعات در باره بورس ها و بازارهای سهام دنیا می پردازد و خبرگزاری شوروی (تاس) نیز به سبب اوضاع داخلی شوروی و احتمال خصوصی شدن روز به روز از اهمیت و وزنش کاسته می شود. در این میان تنها آسوشیئد پرس است که در سال های اخیر مواضع و پایگاه خود را تحکیم و تثبیت کرده است. این خبرگزاری در ۶۴ کشور دارای نمایندگی است و در سراسر جهان ۳۰۰۰ خبرنگار و همکارانی دارد.

بسیاری از پژوهش ها و بررسی ها درباره ویژگی ها و کارکردهای خبرگزاری های بزرگ جهان به ارزیابی ها و برآمدهای مشترک زیر راه برده اند: گزارش ها و اخبار این خبرگزاری ها عمدتاً به تبلیغات اروپا مدارانه (Eurup - Central) و ژادپرستانه آلوده است. خبرهای آنها درباره عقب ماندگی ها و نابسامانیهای جهان سوم سخت افران آمیز و خواردارنده است. آنها در سراسر جهان عمدتاً به مواضع و بیانیه های رسمی دولت ها استناد کرده و کمتر آرا و دیدگاه های مردم هادی را بازتاب می دهند.

خبرها و گزارش های آنها بیشتر پاسخگوی نیازهای نخبگان و ناظران سیاسی است. خبرهای آنها دروجه عمده سطحی و فشرده است و از گزارش های جامع و اساسی در کار آنها خبری نیست. خبرگزاری های کشورهای جهان سوم نه تنها در زمینه فرهنگی، بلکه به لحاظ تکنیکی (ارتباط تلکس)، ایدئولوژیک (تعلیم و پرورش نیروی کاران) و اقتصادی نیز در چنبره وابستگی یکجانبه اطلاعاتی به خبرگزاری های بزرگ گرفتارند. رابطه پایایی خبری میان خبرگزاری های بزرگ و کوچک هنوز ضعیف و ناچیز است.

تاثیر انقلاب اطلاعاتی بر سیاستها و کارکردهای رسانه های گروهی

انقلاب اطلاعاتی که از آغاز دهه هفتاد نمود و ابعاد بیشتری یافته است، بر دونگته دلالت دارد: این انقلاب از یکسو بیانگر تجدید سازمان کار در هرصه جهانی است. در واقع تسلط و

شرکت های خصوصی تلفن) و بخشی دیگر در هرصه خدمات اطلاعاتی (مانند بانک های اطلاعاتی) به فعالیت می پردازند. بازتاب سیاسی این گرایش اقتصادی - تکنولوژیک در آمریکا به صورت خصوصی کردن تجهیزات ارتباطات راه دور و دگرگونی استراتژی این بخش نمود یافته است. این اقدامات و برنامه های دولت آمریکا در قرارداد چند جانبه GATT و نیز در قرارداد دوجانبه آمریکا و کانادا مورد حمایت قرار گرفته است.

با جهانی تر شدن و در عین حال چنگ اندازی هر چه بیشتر سرمایه خصوصی بر امر اطلاعات و ارتباطات، خصلت تجاری این محصولات به زبان خصلت فرهنگی آنها فزایش یافته است. چنین روندی گسسته ها، تعارضات و مسخ فرهنگ ها و نیز سرریز بحران هویت ملت ها را در پی داشته و خواهد داشت. تجلی اولین برآمدهای انقلاب ۱۹۷۹ ایران در شکل حمله به سینماها و تئاترهای نمایش دهنده آثار هالیوودی، برگزیده شدن ارستو کاردینال شاعر به پست وزارت در دولت ساندینیست ها به عنوان نهاد آگاهی و مقاومت فرهنگی نیکارگونه، رواج چشمگیر نمایش فیلم های آمریکایی در تلویزیون های اروپای شرقی در سال های اخیر سرکوب خوین جنبش دانشجویی چین در سال ۱۹۸۹ تحت عنوان جلوگیری از بسط و گسترش معیارها و ارزش های فرهنگی غرب و... همه و همه را میتوان نشانه درگیری ها و بحران های فرهنگی ناشی از جهانی شدن ناموزون اطلاعات و فرهنگ دانست. این اقدامات و برآمدها در واقع واکنشی فرهنگی در برابر استراتژی جهانی اطلاعات و ارتباطات است که بیش از همه از منافع و مصالح اقتصادی آمریکا، ژاپن و بازار مشترک تبعیت کرده و عمدتاً تحت تاثیر آنها می باشد.

دامنه سازگاری میان مصالح اقتصادی و ارزش های فرهنگی به خود اروپا نیز کشیده شده است. سیاست تلویزیونی کمیسیون بازار مشترک اروپا، مصوبه ۱۹۸۹/۱۱/۱۶، تولیدات تلویزیونی را جزئی از هرصه خدمات تعریف می کند، یعنی برای آن بیشتر جنبه اقتصادی قائل می شود. در عین حال این کمیسیون مقرر داشته است که سهم عمده فیلم هایی که در تلویزیون های اروپایی به نمایش درمی آیند، باید ساخت خود اروپا باشند. این حکم در واقع هم ناظر بر جنبه اقتصادی و هم معطوف به تسهیل فرهنگی است، زیرا با تشویق هر چه بیشتر تولید فیلم های بومی، از تبدیل شدن بازار فیلم اروپا به میدان نیکه تازی صنایع فیلم سازی آمریکا و تاثیرات اقتصادی و فرهنگی آن پیشگیری می کند. اقتصادی و فرهنگی اطلاعات، ارتباطات و تبادل فرهنگی در مذاکرات GATT نیز بروز نمود یافت. آمریکایی ها در مذاکرات اعضای این پیمان در سال ۱۹۸۶ در اروگوئه مصرا خواستار لیبرالیزه شدن بخش خدمات الکترونیکی شدند. به باور آنها علاوه بر بانک ها، بیمه ها، بخش ساختمان، شرکت های هواپیمایی و کشتیرانی می باید مجموعه شبکه ارتباطات و خبررسانی نیز خصوصی و لیبرالیزه شده و محدودیت های گمرکی و تعرفه ای برای آنها از میان برداشته شود.

بر اساس درک آمریکایی ها کل صنعت تلویزیون و فیلم سازی نیز جزء شبکه ارتباطات و اطلاعات به شمار می آید. اما کمیسیون بازار مشترک اروپا در ژوئن ۱۹۹۰ باتعمیم قوانین پیمان GATT به هرصه سینما و تلویزیون مخالفت کرد، زیرا "میراث فرهنگی اروپا باید در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانه حفظ و پاسداری شود." در واقع کمیسیون بازار مشترک سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است. این کمیسیون در محدوده بازار اروپا تولیدات تلویزیونی را کلاسی - تجاری می شناسد، اما در مذاکره با آمریکایی ها آن را محصولی فرهنگی معرفی می کند. به رغم گسترش شبکه های اطلاعات و خبررسانی، روز به روز شمار انسان های محروم از رسانه های گروهی فزونی می یابد. در بیشتر نقاط جهان و بویژه در کشورهای در حال توسعه گسترش امکانات خبررسانی و اطلاعات گسترده در قیاس با رشد جمعیت کند و کم شتاب است. در عین حال درصد رشد نشریات و مواد چاپی به هیچ وجه با شمار نسبتاً اندک انسانهای باسواد همپا و همتراز نیست. این اختلافات و ناموزونیهای فاحش به یک منطقه جغرافیایی خاص محدود نمی شود، بلکه گاه در قیاس یک کشور با همسایگانش و یا در مقایسه نقاط مختلف یک کشور واحد نیز قابل تشخیص است. برای نمونه، در حالیکه مردم ژاپن تنها ۵ درصد جمعیت آسیا را تشکیل میدهند، ولی ۶۶ درصد کل امکانات چاپی، ۴۶ درصد دستگاه های رادیو، ۶۳ درصد دستگاه های تلویزیون و ۸۹ درصد انشعابهای تلفن در کل آسیا به آنها تعلق دارد.

اگرچه رادیو در کنار دو چرخه یکی از رایج ترین محصولات تکنولوژی غرب در جهان سوم به شمار می رود، باز هم اختلاف شمال و جنوب در این زمینه چشمگیر است. بر پایه آمار سهم آمریکا و اروپا از کل گیرنده های رادیویی موجود در جهان ۷۸ درصد، سهم آسیا ۱۲ درصد، آمریکا لاتین ۶ درصد و آفریقا ۳ درصد است. دسترسی به اطلاعات و اخبار تابع عوامل مختلفی است که از جمله از عامل اجتماعی (قدرت خرید و سطح آموزش)، سیاسی (سانسور)، عامل حقوقی (تامین حق انسان در پرورش توانایی ها و خلایق های خویش)، عامل تکنیکی (امکانات زمینی و ماهواره ای رسانه های گروهی برای تحت پوشش قراردادن همه نقاط) و سرانجام از عامل اقتصادی (امکانات ساختاری و زیربنایی شهرها و مناطق) میتوان نام برد. بود یا نبود این عوامل هملا میزان دسترسی انسان ها به اطلاعات و اخبار را تعیین می کنند.

اروپای شرقی در چنگال انحصارات خبری و تبلیغاتی غرب

اتحاد شوروی با ۲۸۰ میلیون جمعیت بزرگترین بازار تلویزیونی اروپا به شمار می رود. در این کشور ۹۵ درصد از کل ۸۰ میلیون خانه دارای گیرنده های تلویزیون می باشند و دو برنامه اصلی تلویزیون مرکزی به کمک دستگاه های تکرار کننده (رله) و ماهواره همه کشور را زیر پوشش قرار میدهند. تلویزیون شوروی به لحاظ خودکفایی در تولید فیلم و برنامه همسان

سیستم تلویزیونی آمریکاست. در هر دو کشور تنها کمتر از ۵ درصد برنامه ها و فیلم های تلویزیونی وارداتی هستند. تحولات سیاسی در اروپای شرقی برنامه های تلویزیونی این کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است. تلویزیون در موردی همچون قیام دسامبر ۱۹۸۹ در رومانی نقش فعال و بی بدیلی ایفا کرد. برنامه های تلویزیونی کشورهای سابقا سوسیالیستی اروپا کم کم با معیارها و پر بست های تلویزیون های اروپای غربی همسان و همتراز میشوند، در همین راستاست که آگهیهای تجاری به تدریج جای خود را در برنامه های تلویزیونی این کشورها باز می کند. تلویزیون شوروی پخش تبلیغات برای کالاهای غربی را اندکی پیشتر یعنی از سال ۱۹۸۸ آغاز کرده است.

جاده یکطرفه مبادله برنامه های تلویزیونی میان شمال و جنوب

دگرگونی در برنامه های تلویزیونی اروپای شرقی تنها به لیبرالیزه شدن آنها محدود نمی شود، بلکه تجاری شدن هر چه بیشتر آنها را نیز شامل میشود. کنسرن های چند ملیتی اروپای غربی همچون "موردوخ"، "ماکسول"، "بریکس مان" و "اسپرینگر" در این میان بر بسیاری از بازارهای مطبوعاتی اروپای شرقی تسلط یافته اند. برای نمونه دو روزنامه بزرگ مجارستان یعنی "های ناپ" و "زفرم" هم اکنون در تملک کنسرن "موردوخ" قرار دارند و ۴۰ درصد سهام ارگان سابق دولت مجارستان از آن "ماکسول" می باشد. بی سبب نبود که رئیس یکی از شبکه های تلویزیونی آلمان در آغاز سال جاری در مورد خطر استعمار اروپای شرقی توسط انحصارات خبری اطلاعاتی غرب هشدار داد.

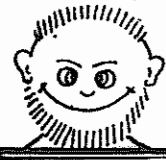
به رغم تفاوت های آشکار منطقه ای در زمینه برخورد ای از تلویزیون، (از کل دستگاه های تلویزیونی موجود در جهان ۸۲ درصد سهم آمریکا و اروپا تنها ۱۰ درصد سهم آسیاست.) این رسانه به کارترین و پرکارترین امکان خبری و اطلاعاتی تبدیل شده است. به لحاظ سیاسی - صنعتی تلویزیون یکی از عناصر اصلی ساختمان سفینه های فضایی و سیستم های ماهواره ای را تشکیل می دهد، به لحاظ تکنولوژیک هم اکنون تولید نسل جدیدی از تلویزیون های مجهز موسوم به HDTV، برای کاربردهای هادی و نظامی، به پایان خود نزدیک می شود. در زمینه دیپلماسی هلنی (public Diplomacy) پخش مستقیم گفتگوی تلویزیونی با تروریست ها و رهبران کشورها دیپلماسی مخفی به شیوه پیشین را از ارزش و اعتبار انداخته است. گسترش زمینه ها و شاخه های مختلف تبلیغات تجاری نیز تنها با کمک تلویزیون امکان پذیر شده است. تلویزیون همچنین به لحاظ کاربرد در هرصه خدمات، همچون خرید تلویزیونی (Tele - Buying)، بانک تلویزیونی (Banking - Tele) و یا روزنامه های تلویزیونی (Elektronik Newspaper) در زندگی روزمره انسانها نقش مهمتری می یابد. اما نباید یاد برد که داد و ستد

برنامه های تلویزیونی در همه جهان از تراز مندی و پایایی برخوردار نیست. برای نمونه در حالیکه فرانسه سالانه ۳۰۰۰۰ برنامه تلویزیونی به کشورهای آفریقایی می فروشد، تقریباً هیچ برنامه ای از آنها نمی خرد. بهای نازل برنامه های صادراتی قرب زمینه ساز افت و رکود تولید فیلم و برنامه های تلویزیونی در بسیاری از کشورهای جهان سوم شده است. در حالیکه شبکه تلویزیونی ایتالیا برای یکساعت برنامه تلویزیونی ساخت آمریکا باید بین ۱۰ تا ۶ هزار دلار بپردازد، کشوری همچون جامائیکا همان برنامه را درازی ۱۰۰ دلار دریافت می دارد.

درواقع بهای تولیدات تلویزیونی آمریکا برای کشورهای جهان سوم کمتر از هزینه ساخت یک فیلم یا برنامه تلویزیونی در این کشورهاست، امری که افت و فروپاشی صنعت فیلم و تلویزیون بومی را در پی می آورد. جاده یکطرفه داد و ستد تنها فیلم ها و برنامه های هادی تلویزیون را در بر نمیگیرد، بلکه اخیراً شوها و برنامه های سرگرم کننده را نیز شامل می شود. از دهه هشتاد استفاده و کاربرد دستگاههای ویدیو در جهان سوم صدرصد روبه افزایش است، این امر به تقویت و افزایش تولید فیلم های تجاری و سرگرم کننده انجامیده است. برای نمونه فیلم های ویدیویی هم اینک در دورافتاده ترین دهات هند نیز رونق و رواج یافته اند. به گفته یک مردم شناس هندی، تاثیر فرهنگی و اجتماعی این فیلم ها تنها با انقلاب سبز دهه ۵۰ و ۶۰ سده کنونی سنجش پذیر است.

شمار اندک انشعاب های تلفن در جهان سوم

سیستم جهانی ارتباطات تلفنی به یک کامپیوتر بزرگ میماند که توانایی اتصال ۶۰۰ میلیون تلفن را دارد. درآمد ادارات پست کشورهای جهان از سیستم های تلفن مجموعاً به ۲۵۰ میلیارد دلار میرسد و برای نوسازی این سیستم ها سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه می شود. اما در زمینه بهره وری از امکانات تلفنی نیز شکافی عظیم بخش های مختلف جهان را از هم متمایز می کند. تقریباً دوسوم مردم جهان از دسترسی به تلفن بی بهره اند. در توکیو، پایتخت ژاپن، شمار انشعاب های تلفن از کل آفریقا بیشتر است. اگر بخواهیم جدولی از تعداد تلفن موجود برای ۱۰۰ نفر در کشورهای مختلف بدست دهیم، بسیار نامگون از کار در خواهد آمد: در سوئد بری هر ۱۰۰ نفر ۶۶ انشعاب تلفن در دسترس است، در فن رقم در آمریکا ۵۳، در آلمان ۴۷، در چکسلواکی ۱۴، در چین شوروی ۱۰، در مصر ۱، در چین و در هند پنجم می باشد. به عبارت دیگر در کشوری همچون هند برای هر دویست نفر تنها یک انشعاب تلفن موجود است. برای جبران پرشتاب کمبود تلفن در کشورهای جهان سوم باید شیوه های جدیدی از ارتباطات تلفنی طرح ریزی و ساخته شوند. باید تاکید کرد که پی ریزی و گسترش شبکه تلفن در این کشورها از اولویتی قطعی و حتی بر خوردار است. این شبکه نباید تنها به لحاظ فنی پیشرفته و کارا باشد، بلکه باید با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز تناسب و همگونی داشته باشد.



خوش خیال

جوشکاری

از پیروزی‌های اخیر این که مطابق فرمایشات یکی از برادران، صنعت جوشکاری در مملکت امام زمانی ما به آخرین تکنولوژی‌های پیشرفته جهانی دست یافته و با استانداردهای بلاد کفر رقابت می‌کنند. اعلام این خبر مسرت بخش و لوله‌ای در میان دشمنان اسلام برپا کرد. استکبار جهانی، بقایای گروکها و صداهای وابسته به بیگانه، در یک جبهه واحد تبلیغات سویی را برای خنثی کردن اثرات این پیروزی آغاز کرده‌اند. این وظیفه الحادی به عهده صداهای وابسته به جاهای دیگر که این بار از ناحیه دانشجویان شنیده می‌شود، قرار گرفته است. این دانشجویان به دستور اربابانشان نامه‌دسته‌جمعی برای روزنامه‌ها نوشته‌اند و سخنان خیانت‌آمیزی به نظام ما نسبت داده‌اند و گفته‌اند که تحقیقاتشان درباره کاربرد جوش در صنایع ثابت کرده که صنعت جوشکاری در کشور ما آنقدرها هم پیشرفته نیست و حتی (زبانم لال) عقب مانده است. این دانشجویان از اول همین طور بوده‌اند و همیشه آلت دست و سخنگوی صداهای دیگری بوده‌اند و به همین جهت به نظر ما بعتر است مسئولین عزیز به فکر یک انقلاب فرهنگی دیگر باشند.

اما بعضی افراد ساده لوح - و احياناً فریب خورده - تعجب کرده‌اند که چرا استکبار جهانی در این روزهایی که اینقدر سرش شلوغ و به فقایم جنگ گرم است، همانا توطئه‌های خود را متوجه صنعت جوشکاری جمهوری اسلامی کرده است. ما تعجبی نکرده‌ایم زیرا بر اهمیت و جایگاه صنعت جوشکاری در کل تاریخ اسلام بخوبی واقفیم و از نقش آن در پایه‌گذاری نظام اسلامی‌امان نیز خبر داریم. ما میدانیم که نظام ما همه چیزش وابسته به همین صنعت جوشکاری است. در واقع با استفاده از همین صنعت بود که مسئولین ما و در راس همه‌اشان امام عزیز به عنوان بزرگترین جوشکار قرن، توانستند بازرگان و گروکها را به جمهوری اسلامی جوش دهند و بعضی چیزها را از آنها یاد بگیرند. همین صنعت اسلامی بود که بزرگترین اقتصاددان گروکی قرن را به جمهوری اسلامی، چسباند و از آن بعضی

استفاده‌ها را برد. اتصال گروک‌هایی مثل منافقین و کمونیست‌ها و سایر وصله‌های نجسب به نظام نیز محصول همین صنایع بود که هرکدامشان بعضی سودها را نیز نصیب اسلام ساختند. اما اهمیت این صنعت شریفه بویژه پس از یقیم شدن نظام ما آشکار شد. زمانی که نظام اسلامی بی‌پدر شده ما از چپ و راست و داخل و خارج در معرض ترک خوردن بود، صنعت جوشکاری مان توانست بطرز بی‌مهارانه دوباره همه چیز را به هم جوش بدهد و دشمنان را پاک فضا دار کند. بزرگترین معجزه صنایع جوشکاری ما در این زمان رخ داد و توانست دو استوانه بزرگ اسلام را چنان به هم جوش بدهد که موجب رشک و حسد کلیه جوشکاران عالم را فراهم آورد. استکبار جهانی و صداهای مشکوک که این صنایع پیشرفته ما را علیه‌رقم این همه موفقیت نسبت به صنعت مشابه خارجی به‌نداشتن کیفیت و سایر اتهامات خیانتکارانه متهم می‌کنند، بروند یک نمونه از تمام بقایای گروک‌های ورشکسته، آنهم در خارج از کشور و با استفاده از همه امکانات شرق و غرب بیاورند که توانسته باشند یک جوش کوچک و ناقابل بین خود برقرار کنند. موفقیت‌های صنعت جوشکاری ما به همین جاها ختم نمی‌شود. این صنعت با کاربرت آخرین تکنولوژی‌ها و تجاربی که برخلاف یاهو سرایی منافقین به هیچ‌وجه وارداتی نیست و مستقیماً محصول فعالیت‌های صنایع جوشکاری ما در یک شهر پسته خیز و سیاست‌مدار پرور است توانسته عمل خطیر جوش دادن برادر سید احمد یادگار گرامی امام عزیز را - علیه‌رقم مخالفت شرق و غرب و شمال و جنوب - به استوانه‌های قبلی تقریباً به پایان برساند و همین روزها انشاءالله شیرینی‌اش را نیز خواهیم خورد.

باز هم می‌توان از معجزات جوشکاری مملکت اسلامی‌مان و بویژه برنامه‌های آینده این صنایع گفت. اما اگر بنا را بر گفتن بگذاریم، خیلی‌ها انگشت به دهان خواهند شد، فعلاً تا همین قدرش را می‌گوییم که ما هر چه داریم از همین صنعت جوشکاری داریم.

تشکر و توضیح

رسیده است. سام از آلمان، فدایی - فلام (نیاید ساکت نشسته مبارزه را پایانی نیست)، گیل‌آوا (پاسخی به کیهان لندن)، گیل‌آوا (مردم ایران را از چنین امکانی محروم نکنیم)، الف. کاشفیان (باران و من)، الکه‌ایمیک قنبری (ایجاد مرکز دانشی برای پناهندگان)، شاهین ازوین (گزارشی از کمپ براسگ فن) اردشیر اسفندیاری (یک قطعه شعر به نام وحدت در بهار)

ترجمه‌ها: محمود از ایتالیا (۲۵ مین کنگره فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا، اولین کژره به منظور رفم سیاسی، سمت چپ! برای آنکه واقعا آزادانه زندگی کنیم! ما گستر دگی و فقر کمونیسم دولتی) نیما از واحد نورنبرگ (هراق - تخلیه کامل یا ناکامل)، حسین از تورنتو (کمونیست‌های ثروتمند آلمان شرتی به تحویل‌داری‌های حزب رای مثبت می‌دهند) رهرو از اتریش (ترحم یک جنایت است) عباس آلمان فدرال (این سرزمین را از فاجعه نجات دهید)

بلیط‌بی‌زیب

ترجیح‌بندش این است که در جریان جنگ آقا شیخ علی‌اکبر ما دائم به قرب پیام می‌داد که "به صدام امان ندهید"

گفتم: حرف اینها که مدرک نیست. خود رفسنجانی چه می‌گوید؟

گفت: حضرتش حرف زیاد می‌زند. اولش که جماعت از هم‌زمانی اشغال کویت و قبول قطع نامه ۵۹۸ بوسیله صدام بحیران شده بودند، رفسنجانی گفت والله مابی‌خبر بودیم. البته دیپلماسی مخفی داشتیم. اما همانطور که حضرت امام قدس سره فرمودند، اینها همه امداد قبیلی است و راستش را بخواهید ما هیچ کاری نکردیم، بلیطمان برده!

گفتم: بعدش!

گفت: بعدتر حاج آقا حسین روحانی که از قرار دبیر شورای امنیت ملی است، درآمد که زیاد هم بی‌خبر نبودیم. چند ماه پیش‌تر صدام پیغام داده بود که به زودی هوای منطقه ابری می‌شود. لاکن شما نگران نباشید به زودی ابرها کنار می‌روند و آسمان دوباره صاف و آفتابی خواهد شد.

گفتم: یعنی آنها پیام را گرفتند. نقل و انتقال نظامی صدام را هم دیدند و باز هم پرس و جویی نکردند که قضیه از چه قرار است؟ به هقل جور در نمی‌آید.

گفت: همین طور است که می‌فرمایید، آن به هقل جور در نمی‌آید. اما این با هقل جور در می‌آید که دیدند و فهمیدند و به طرف نماندند که اگر چنین و چنان کند، حاضرند خود را به ندادن بزنند.

گفتم: یعنی هم از آخور، هم از توبره؟ رفسنجانی هم از صدام باج گرفت و هم در صحنه‌آرایی با بوش همدستی کرد؟ مگر گزارش بوش را خوانده بود و نمی‌دانست که آمریکایی‌ها مسئله‌شان فقط صدام نیست و اگر بیابندکار به کجایی کشد؟

گفت: اتفاقاً چرا! چون گزارش را خوانده بود و خیلی چیزها هم از طریق بزرگ راه مرحوم مک فارلن به سمع و نظر مبارکش رسیده بود. این برنامه راریخت. می‌خواست بعد از آنکه امدادگران قبیلی سر صدام را به سنگ کوبیدند و بلیطدوم هم برنده شد، برای بلیطسوم برنامه‌ریزی کند.

گفتم: با این حسابی که حضرتعالی می‌فرمائید، بلیطدوم هم برنده شده، اما آمریکایی‌ها چه؟ آنهاکه حالا میخشان را کوبیده‌اند، فردا پدر ملامی ما را در نمی‌آورند؟

گفت: تو می‌بینی و حضرتش پیچش مو

گفتم: سر در نمی‌آورم

گفت: آمدن آمریکایی‌ها به حساب رفسنجانی زیاد هم بد نیست. فرضی است تا سر تندر و هارام به طاق بکوبد و حالا که حضرت امام توانست از راه کر بلا به قدس برود. خانه‌زادش از راه واشنگتن به قدس شریف مشرف شود و بلیطسوم هم در سایه الطاف قتیله‌الی و امدادهای قبیلی برنده شود.

گفتم: حالا چه می‌شود و تاکی داستان این برنده شدن‌ها ادامه دارد؟

گفت: حکایت کنند: مرد چون به خانه آمد و گوشواره تازه را به گوش هیال دید پرسید: از کجا آمده است؟ زن جواب داد: بلیطم برده. روز دیگر که مرد انگشتر تازه را دید و محل تا همین بودجه را جویا شد باز هم جواب شنید که: بلیطم برده. مدتی گذشت. روزی زن مشغول طبخ غذا بود، از سر بی‌احتیاطی آتش به دامنش افتاد. مرد که ناظر صحنه بود بانگ برآورد: بی‌بی‌زیب! مواظب باش بلیطت نسوزد!

اکثریت از همه خوانندگانی که در طول ۷ سال فعالیت آن با ارسال نامه‌ها، مقالات و پیشنهادات خود کوشیدند این نشریه را در هر صه‌های مختلف یاری دهند، تشکر می‌کند. ما خود واقفیم که به دلایل بسیار از جمله مشکلات ایجادیک سرویس مستقل برای پاسخ به نامه‌های خوانندگان و هم چنین محدودیت جا و مسایل دیگر نتوانستیم بازتاب‌دهنده نظرات خوانندگان، در همان حدی که برای ما نامه‌نویسند، باشیم. نبود نظم کافی در انعکاس نامه‌ها و بی‌جواب ماندن برخی از آنها از جمله نقایص کار ما بود. اشکالات دیگر در هر رابطه مکاتبه‌ای نظیر اشکالات مربوط به پست نیز بر این نقایص افزود.

هم‌اکنون نیز مقداری از نامه‌های خوانندگان در دست ماست که هنوز پاسخی به آنها داده نشده است و مطمئناً در طول چند هفته آتی نامه‌های دیگری نیز خواهد رسید. ماسخی خواهیم کرد در خدامکاناتمان این نامه‌ها را در نشریه جدید سازمان که قرار است به زودی منتشر شود، منعکس‌سازیم.

نامه‌ها و مقالات رفقا و دوستان زیر به دفتر نشریه

گفتم: فلانی! بالاخره سر در آوردی که این جنگ خلیج فارس چرا شروع شد؟

گفت: خداوند به سیاستمداران زبان هفلا فرمود که به وسیله آن نیت خود را پنهان کنند.

گفتم: اگر جز این بود که نان امثال بنده و شما آجر می‌شد. تو که کارت ترجمه فرمایشات حضرات به زبان خلق الله است، بگو از این همه سخن سرایی، یابره قول حضرت عالی - پنهانکاری - چه دستگیرت شد؟

گفت: پشت پرده خبرها بوده و گفتنی بسیار است.

گفتم: اندکی ارشادمان بفرما

گفت: شیوه چشم‌خیال جنگ داشت

ما خطا کردیم و صلح انگاشتمیم

گفتم: بامنی؟

گفت: نه! بابوشم

گفتم: مدرک؟

گفت: بردار و بخوان:

گزارش بوش به کنگره و سنا، موضوع: استراتژی امنیت ملی

امریکا ممکن است در اواسط دهه ۹۰ روزانه ده میلیون بشکه نفت وارد کند که بیش‌تر این میزان نفت از خلیج فارس تامین شود... اتکای جهان آزاد به هر صه انرژی از این منطقه (خاورمیانه) حیاتی است... به هر حال خاورمیانه نمونه روشنی است از منطقه‌ای که حتی اگر تشنجات شرق و غرب در آن فروکش کند، نگرانیهای استراتژیک آمریکا همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند... در حالی که ما نمی‌توانیم این خطرات را از جانب کرملین بدانیم، ضرورت دفاع از منافصمان در منطقه همچنان ادامه خواهد یافت... ما تسلیحات و قوایی را که برای پاسخ به نیازهای ویژه جهان سوم ضروری است توسعه خواهیم داد... ما به حضور نظامی خود در منطقه شرقی مدیترانه، خلیج فارس و اقیانوس هند همچنان بتداوم بخشیده و به صورت متناوب مانورهای نظامی انجام خواهیم داد و در صدد ارتقای سطح همکاری کشورهای میزبان و همچنین استقرار تجهیزات در سراسر منطقه خواهیم بود.

گفتم: بوی نفت و باروت می‌دهد. اما این استراتژی است. مدرک تاکتیکی ارائه بفرما

گفت: همین طور است که می‌گویی. مدرک تاکتیکی‌اش را دو - سه شماره پیش در روزنامه خودمان چاپ زدن.

گفتم: کتاب "سالیجر" و "لوران" را می‌گویی؟

گفت: بله! صدام قانع شده بود که تا ۵ اوت از کویت برود. طرف با تلفن قضیه را به حسنی مبارک و ملک فهد خر فحم کرد و بیچاره شاه حسین سنگ روی یخ شد.

گفتم: بر فرض که چنین باشد و بوش از پیش خیال جنگ داشته، صدام چرا خیریت کرد؟

گفت: گول بازی مشترک رفسنجانی و بوش را خورد.

گفتم: اینکه بوش صدام را بازی داده و طرف به خیال اینکه اتفاقی نمی‌افتد در دام افتاده باشد، حرفی است که خیلی‌ها می‌زنند و از قرار مدارکی هم دارند. اما بوش و رفسنجانی؟ ایندو تا که با هم نمی‌سازند.

گفت: یکی از درد به خودش می‌پیچید، گفتند: نگفتم خربزه و هسل نخور، با هم نمی‌سازند؟ گفت: فعلاً که با هم ساختند تا پدرم را در آورند.

گفتم: برادر جان! مدرک؟

گفت: مبارک می‌گویید رفسنجانی صدام را تحریک کرد که برود کویت را بگیرد و رادیو اسرائیل

جهان سوم و جهانی شدن سیستم اطلاعات و ارتباطات

روپا - آمریکا هم‌اوردی می‌کند. برای نمونه تلویزیون مکزیک توانسته است با تولیدات خود در بازار تلویزیونی کالیفرنیا، با تعداد بالای جمعیت اسپانیایی زبان، جای پای محکمی بیابد و با تلویزیون برزیل که چهارمین فرستنده تلویزیونی دنیا به شمار می‌رود، از چند سال پیش با خرید بخشی از رادیوی مونت کارلو و فروش فیلم‌های داستانی به تلویزیون‌های آلمان، پرتغال، مجارستان و لهستان حضور گسترده و چشمگیری در گستره دادوستدهای تلویزیونی جهان یافته است. فیلم‌های کودکان ساخت ژاپن نیز در تلویزیون‌های ایتالیا به رقابت با فیلم‌های آمریکایی برخاسته و آنها را تقریباً از میدان به‌در کرده‌اند. محبوبیت کم‌مانند سریال ژاپنی "اوشین" در میان ایرانیان را نیز می‌توان به این فهرست اضافه نمود.

روند تجاری شدن سیستم نامتوازن و نابرابر اطلاعات و ارتباطات میان شمال و جنوب که اینک به اروپای شرقی نیز تعمیم یافته است، تأثیری درازمدت خواهد داشت و به تامین هژمونی فرهنگی شمال بر جهان یاری خواهد رساند. در برابر این روند اخیراً موانع و محدودیت‌های منطقه‌ای در راستای استقلال و خودکفایی تولیدات بومی در حال افزایش است. وضع محدودیت‌های وارداتی برای تولیدات خارجی و در پیوند با آن اولویت بخشیدن به برنامه‌های داخلی و پیشبرد گونه‌های از سیاست رادیو - تلویزیونی با تأثیرپذیری ناچیز از خارج از جمله اشکال مقابله و رویارویی کشورهای جنوب با روند یادشده است. برای نمونه فعالیت گسترده صنعت فیلم‌سازی هند که با تولید ۶۰۰ فیلم در سال همچون گذشته نسبت به آمریکا برتری داشته و بزرگترین تولیدکننده فیلم در

شکاف نوین میان فقر و ثروت اطلاعاتی

«اطلاعات» که اینک به کالایی تجاری تبدیل شده، فزونی خواهد یافت. در پهنه جهانی هم‌اکنون نهادها و سازمان‌های گوناگونی سرگرم سازماندهی و تنظیم جنبه‌های گوناگون تبادل اطلاعات هستند که از جمله می‌توان از نهاد‌های زیر نام برد:

- کمیسیون حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل (که به بررسی چگونگی تحقق حقوق بشر در زمینه برخورداری از اطلاعات می‌پردازد).

- کمیسیون قضایی سازمان ملل (مسئول بررسی حقوق مربوط به ارسال سفینه‌های قضایی

در روند آتی گسترش جهانی سیستم اطلاعات در همه هر صه‌های زندگی و در همه مناطق، تضاد و تباین میان جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی اطلاعات گسترشی با شدت بیشتری نمودار می‌شود به دیگر سخن، تضاد میان شمال و جنوب در زمینه

جلسه مشترک ۲۳ گروه اپوزیسیون رژیم صدام در بیروت



روز ده مارس در بلگراد پایتخت یوگسلاوی که در همین حال پایتخت بخش صربستان این کشور نیز می باشد، جنگ خیابانی شدیدی بین تظاهر کنندگان "جنبش نوسازی صربستان" و پلیس در گرفت. تظاهر کنندگان علیه دولت یوگسلاوی شعارهای ضد کمونیستی می دادند. در درگیری های مزبور یک پلیس و یک تن از تظاهر کنندگان کشته و ۸۰ نفر زخمی شده اند.

روز دوشنبه ۱۱ مارس ۳۰۰ نماینده از ۲۳ گروه اپوزیسیون عراق در بیروت گرد هم آمدند تا در مورد مبارزه مشترک علیه رژیم صدام حسین و معرفی آلترناتیو واحد مذاکره کنند. در پایان اجلاس مزبور در روز ۱۳ مارس بیانیه مشترکی انتشار یافت که در آن خواست ادامه مبارزه تا سرنگونی صدام حسین و تشکیل یک اتحاد دموکراتیک بیان شد و اعلام شد که تلاش برای تدوین یک برنامه واحد صورت خواهد گرفت. جلال طالبانی رهبر اتحادیه ملی کردستان اعلام کرد که بر سر تشکیل یک دولت انتقالی و کابینه آن مرکب از همه گروه های مقاومت توافق شده است. اخبار اندکی در مورد جزئیات درگیری ها در عراق انتشار یافته است. در این زمینه منابع خبری جمهوری اسلامی، خبرگزاری های غربی و نیز گروه های اپوزیسیون هیچیک به تنهایی قابل اتکا نیستند. دولت عراق در مورد خیزش مردم در شمال و جنوب این کشور سکوت اختیار کرده است.

گروه های مبارز کرد در شمال عراق مناطق وسیعی را از چنگ نیروهای وفادار به صدام حسین خارج کرده اند. روز سه شنبه اعلام شد که نبرد بر سر تصرف کرکوک

ادامه داشته است و مبارزین کرد تا ۲۰ کیلومتری کرکوک پیش آمده اند. همچنین اعلام شد که ۵۰ هزار تن از سربازان ارتش عراق در شمال این کشور بدون مقاومت خود را به نیروهای کرد تسلیم کرده اند. یک سخنگوی اتحادیه میهنی کردستان ابراز داشت که نیروهای صدام ۵ هزار تن از کردهای ساکن کرکوک را که اکثرا زنان و کودکان هستند، بعنوان گروگان و برای ممانعت از حمله نیروهای کرد به کرکوک، رها کرده اند.

در روز سه شنبه در ترکیه اعلام شد که جلال طالبانی برای یک گفتگوی پنهانی با مقامات ترکیه به آنکارا سفر کرده است. در جنوب عراق و شهرهای کرکوک، نجف، همدان و شیعیان تحت رهبری بنیاد گرایان اسلامی درگیر جنگ با نیروهای وفادار به صدام حسین هستند. شهر بندری بصره که بلافاصله پس از انهدام ارتش عراق در جنگ زمینی در کنترل مردم قرار گرفت، با حمله باقیمانده گارد ریاست جمهوری مجدداً تصرف ارتش صدام در آمد. اما شواهد بر ادامه درگیری ها دلالت دارند. جمهوری اسلامی که در آغاز به حمایت وسیع تبلیغی و بنا بر برخی گزارش ها تدارکاتی بنیادگرایان رودر روی صدام حسین پرداخت، بعداً سیاست

مقابل اپوزیسیون به تحکیم قدرت خود می پردازد، سوق داده شود، دور از ذهن نیست اما داده ها حد اطلاعات برای اظهار نظر در این زمینه و ارزیابی میزان علمی بودن چنین طرح هایی بهیچ وجه کافی نیست.



شرایط حاکم بر عراق ماهیت و روابط نیروهای اپوزیسیون این کشور تا چه حد مشابه وضعیت ایران پس از انقلاب است؟ از چپ به راست: آیت الله محمد تقی الموسوی، جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان و عزیز محمد دبیر کل حزب کمونیست عراق.

ساف، تنها نماینده مردم فلسطین

دولت امریکا در ادامه سیاست خود و برای به ثمر نشاندن آن، دیپلماسی فعالی را در پیش گرفته است. طی هفته گذشته جیمز بیکر وزیر خارجه ایالات متحده به کشورهای مختلف عرب منطقه اسرائیل سفر کرد. وی این دور فعالیت های دیپلماتیک خود را با سفر به مسکو پایان برد.

هیات نمایندگی فلسطینی در این دیدار یک بیانیه یازده ماده ای به جیمز بیکر ارائه کرده است. در این بیانیه بر پذیرش قطعنامه نوامبر ۱۹۸۸ الجزایر توسط ساف که در آن حق

موجودیت اسرائیل به رسمیت شناخته شده، صحنه گذاشته شده است. در موارد دیگر این بیانیه از جمله بر تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل تاکید شده است. از ۱۲ نماینده فلسطینی که پیش بینی شده بود در دیدار با جیمز بیکر حضور یابند و تن غایب بوده و از ملاقات با وی اجتناب کردند که عبارت بودند از نماینده جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری جرج حبش و نماینده کمونیست های فلسطینی.

جهان سوم و جهانی شدن سیستم اطلاعات و ارتباطات

پخش اطلاعات و رویدادها در همه تابع شرایط و رویدادهای اقتصادی و فنی می باشد. به همین سبب هر نگاه یا سازمان خبری که از امکانات مالی و تکنولوژیک برتری برخوردار باشد، سهم بیشتری از تولید و پخش و نشر خبری جهان را از آن خود می سازد. بر این پایه است که هم اینک ۴ خبرگزاری بزرگ یعنی خبرگزاری فرانسه (A F P)، رویتر (انگلیس) و دو خبرگزاری آمریکایی یونایتد پرس اینترنشنال (UPI) و آسوشیتد پرس (AP)، بازار خبری جهان را تئول خود ساخته اند. تنها در سال ۱۹۸۸ تولید خبری روزانه این چهار خبرگزاری به شرح زیر بوده است: آسوشیتد پرس (AP): ۱۷ میلیون کلمه، یونایتد پرس اینترنشنال: ۱۴ میلیون کلمه، خبرگزاری فرانسه: یک میلیون کلمه و رویتر: ۱/۵ میلیون کلمه.

در برابر پخش روزانه این خبرگزاری ها که مجموعاً به ۳۴ میلیون کلمه میرسد خبرگزاری های ملی آلمان، ایتالیا، اسپانیا، یوگسلاوی و خبرگزاری جهان سوم بقیه در صحنه

جنگ نشان میدهد که جریان اطلاعات و خبررسانی در این کشورها نیز عملاً تابع منافع و هلاقی نیروها و محافل معینی است. به گفته دیگر در اروپا و آمریکانیز محافل سیاسی و نظامی معینی می توانند به راحتی همان حقوق مندرج در قانون را زیر پا گذاشته و اطلاعات گسترده و آگاهی بخشی به جامعه را مخدوش و مشمول سانسور کنند.

نارسیایی ها و ناهمگونی های روند اطلاعات گسترده و خبررسانی و بازتاب و تاثیرات آن در جهان سوم در نمایه نوشتاری برگردان آن در پی می آید. همه ارزیابی های نویسنده شاید در نزد خواننده مقبول نیفتد، لیکن پاره ای داده ها و نظرات مطرح شده در نوشتار آن را برای یک بار هم که شده، خوانندگی می کند. جراید و مطبوعات همچون سایر رسانه های گروهی (رسانه های الکترونیکی مانند رادیو و تلویزیون و وسایل ضبط کننده الکترونیکی همچون نوارهای ضبط صوت و ویدئو) به اشاعه و پخش خبرها و پیامها می پردازند. کارکرد این رسانه ها در زمینه دریافت، پرداخت و

در جهان معاصر روند پرشتاب اطلاعات گسترده و خبررسانی مرزهای جغرافیایی را کم رنگ کرده و هم اینک در حال زایل کردن مرزهای فرهنگی میان خلق ها و ملت های مختلف است. در این میان بخش همه امکانات خبری و ارتباطاتی در دست دولت ها و شرکت های غربی است و آنها از این امکان در راستای تأمین هژمونی فرهنگی خود بر سراسر جهان سود می جویند. فیلم ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی ساخت این کشورها خواسته یا ناخواسته فرهنگ، شیوه های زندگی و مناسبات اجتماعی در بخش های دیگر جهان را دگرگون کرده و تقسیمات فرهنگی مثبت سایر ملت ها را نیز مخدوش و مسخ می کنند. در واقع بخشی از استراتژی مکتوم سیستم ارتباطاتی و اطلاعاتی شمال تعمیم فرهنگ و شیوه های زندگی غرب به همه نقاط جهان و یک کاسه کردن همه فرهنگ ها و مناسبات به سود آداب و مبانی فرهنگ غرب است. برخورداری ناموزون شمال و جنوب از امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی و نیز فرو دست قرار گرفتن فرهنگ کشورهای جنوب، بحران ها و چالش هایی را پدید آورده و به گونه ای فراینده این کشورها را به پیش گرفتن سیاست های دفاعی و بازدارنده فرهنگی برمی انگیزد. این حالت دفاعی گهگاه تا نفعی جنبه ها و نمودهای مثبت فرهنگ غرب نیز کشیده میشود و راه را برای نیرو گرفتن واپسگرایان اقشار اجتماعی هموار می کند. قدرت گرفتن نیروهای عقب مانده در کشورها و تقویت گرایش های اسلامی بنیادگرا در برخی از کشورهای اسلامی را باید تقسیماً در همین رابطه ارزیابی و بررسی کرد. از سوی دیگر خود مردم کشورهای غرب نیز برخلاف آنچه که ادعا می شود از دسترسی به اطلاعات و آگاهی های لازم برخوردار نیستند. سانسور خبری که از سوی نظامیان آمریکا در مورد جنگ خلیج فارس اعمال می شود و بی خبری مردم اروپا و آمریکا از روند واقعی رویدادهای

تحویل سال
۱۳۷۰ خورشیدی
به افاق تهران: ساعت ۶ و ۳۲ دقیقه و ۸ ثانیه
صبح روز پنجشنبه اول فروردین ۱۳۷۰ برابر با ۲۱ مارس ۱۹۹۱

AKSARIYAT
NO. 341
MONDAY 18. MAR. 1991
Address: AKSARIYAT
POSTFACH 1810
3300 AACHEN
GERMANY
اکثریت
پنجره سازمان فداالین خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور
H.A.B.D
NR. 35263011
37050198
Stadtparkasse K81
GERMANY